باین باشد که یکسال باشد بنده گمان میکنم که بتوانم مدت را یکسال بنمایم .

رئیس — اینرا بگذاریم همینطور باشد یا اینکه رأی بگیریم .

وزیر مالیه - خیر رأی بگیرید.

رئیس — پس همان یکسال را قبول میفرمائید

وزیر - بله یکسال باشد [ماده واحده جزء اول از لایحه وزیر قرائت شد]

(۱) تعیین مقدار نقره که بموجب قرارداد سابق یکصد و بیست کرور مثقال بوده بسته بصلاح دید دولت که در راس هر ماه مقدار آنرا معین خواهد کرد.

فهیم الملك — این جزء اول راجع است بماده پنجمیکه در کنترات نوشته شده بود ولی ماده ۵ دو مطلب را دارا بود یکی تعیین مقدار نقره است یکی بروات که در آخر نوشته شده است حالا اینجا اینطوریکه نوشته شده است قسمت اول را تغییر داده آقای وزیر بفرمایند که قسمت اول بحال خودش باقی خواهد بود یا بکلی تغییر داده میشود

وزیر مالیه - خیر آن درجای خودش باقی است همان تغییری است که در اینجا عرض کردم

رئیس — پس درباب قسمت اول ماده واحده و قسمت دوم ماده ۵ مخالفی نیست.

متین السلطنه - این یك ماده اینجا دو مطلب است یکی مقدار را معین کرده بود که یکصد و بیست کرور مثقال باشد و دیگر نوشته بود مقرر است بواسطه نرخ نقره درخارجه دولت مجبور حمل آن نخواهد بود و اینمطلب را اینماده درحقیقت گنجانیده است که درصورت تغییر نرخ دست دولت را آزاد کرده است که هر وقت صلاح دولت است بخواهد و هر وقت که صلاح نیست نخواهد آن متمم باداشتن اینماده که خودش خیلی کامل است که هر قدر نقره باید حمل شود در هر ماه بسته بصلاح دید دولت است هر وقت صلاح دید و لازم دانست حمل میکند و هر وقت نخواست حمل نمیکند گمان میکنم لازم نباشد .

وزیر مالیه - بودن این آخر ماده هیچ ضرری برای ما ندارد بلکه تأکید میکند آنچیزیرا که برای صلاح دولت است (قسمت ۲ از ماده لایحه وزیر قرائت شد.)

(۲) مقدار نقره که بانك بطور مساعده برای دولت تهیه خواهد نمود الی سیصد هزار لیرا بوده و میزان منفعت از بابت کلیه وجوهاتیکه بانك پیشکی میدهد بقرار ۵ ٪ خواهد بود.

رئیس — در اینجا هم مخالفی نیست.

هشترودی — این الی سیصد هزار لیرا میفهماند که از پائین تر تا الی سیصد هزار لیرا بوده و میزان منفعت از بابت کلیه وجوهاتیکه بانك پیشکی میدهد بقرار ۵ ٪ خواهد بود حالا این سیصد هزار لیرا که از پائین تر تا الی نوشته شده است این معین نمیکند میزان را و صحیح هم نیست باید این لفظ الی بر داشته شود بنویسند سیصد هزار لیره که معین باشد.

وزیر مالیه — بنده عرض میکنم چرا خودمانرا مقید کنیم اینجا نوشته شده است تا سیصد هزار لیره و اگر بخواهیم تا سیصد هزار لیرا که بتوانیم بخواهیم حالا اختیار داریم کمتر هم بخواهیم و اگر آن لفظ اما را برداریم خودمانرا مقید کردیم چرا دست خودمانرا ببندیم

ادیب التجار — این جزء ماده (ولی مقرر است تا الی نخواهد بود.) من معنی اینرا نمیفهمم مراد حمل است یا خرید .

رئیس — این گذشت اینجا فقره دوم ماده واحده است اینکه میخواهید گذشته است اگر مخالف دیگری نیست در اینصورت رأی میگیریم بقیام و قعود .

ارباب کیخسرو — باورقه باید رأی گرفت .

رئیس — آقایانیکه با اینماده واحده که از طرف وزیر مالیه پیشنهاد شده است موافقند قیام نمایند (اظهار شد که مشکوك است) - چون مشکوك شده است مجدداً رأی گرفته میشود آقایانیکه موافقند بالایحه مزبوره قیام نمایند (اغلب قیام نمودند - باکثریت ۵۹ رأی تصویب شد.)

ارباب کیخسرو — این رأی که در اینجا گرفتید هیچ اظهار نفرمودید که مدت دو ساله شد یا یکسال.

رئیس — چون آقای وزیر مالیه یکسال را قبول کردند دیگر محتاج بتوضیح نبود حالا رأی در کلیه این کنترات میگیریم آقایانیکه موافقند قیام نمایند (باکثریت ۵۸ تصویب شد).

رئیس — آقای سلیمان میرزا در موقع تنفس اجازه خواسته بودند که در این باب اظهاری فرمایند بفرمایند

سلیمان میرزا — خواستم بعرض آقایان برسانم یکمطلبی را که شاید اسباب سوء تفاهم و بعضی شکایات بشود در ابتدای این لایحه وزیر فرقه اقل بفوریت رأی ندادند و همچنین در موضوع خارجه که این کنترات بسته شود بدون اینکه باتجار داخله مذاکره شود رأی ندادند زیرا درهرجهت در اینگونه امور نظریات فرقه اقل براینستکه در اینجور امور تجارتی باتجار داخله باید مذاکره شود اگر آنها قبول کردند چه بهتر بلکه یك جزئی مساعدتی هم بفرمایند بعلت اینکه مملکت ترقیش از صناعت و تجارت است هرچه ممکن است باید سعی کرد که صناعت و تجارت مملکت را ترقی داد و اگر هر کاری را بتجار داخله باوجود قلت سرمایه ورقابت سرمایه داران خارجه که اینجا هستند باتساوی مشروط بآنها ندهیم تجار باز خواهند ماند وچون مذاکره شده بود و تقاضا هم شد و اظهارات شد ولی اکثریت مجلس رأی داد که فوریتش قبول شود ومطرح مذاکره شود و رأی هم همین امروز گرفته شود و این نظر حزب اقل را قبول نکردند که باتجار داخله مذاکره شود این بود که مطلب راجع شد باساس این امر چون صرفه بود برای دولت همه ما همراه هستیم چنانچه همیشه همراه بودیم و امروز هم در این نظر که یك منفعتی است برای مالیه دولت باقلت عایدی دولت همراه بودیم و بهیچوجه اینمطلب مخالفت در اول امر نخواهد داشت زیرا نظریات اول درامر مشاوره بوده نظر بحال تجار داخله رأی ندادیم و ثانیاً اساسی بود نظر بمنفعت دولت همراه بودیم و رأی دادیم.

حاج آقا — بنده تصدیق میکنم فرمایشات حضرت والا آقای سلیمان میرزا را ولی چون اکثریت مجلس هم امروز مطلب را قطع کرد لازم دانستم که اینمطلب توضیح شود که اکثریت هم قبل از اینکه این مذاکره شود مذاکرات خودشان را بعد از طبع و توزیع این لایحه باهم نموده اند قبل از وقت افکار خودشانرا در اینمطلب حاضر کرده بودند و قطع داشتند که این مطلب را تجار داخله که پول گزافی بدهند نقره بخرند که سکه کنند با این سود کم قوه نداشتند ملتفت این معنی شده بودند بعلاوه استمزاج از تجار داخله هم کرده بودند گمان نمی کنم که تجار باثروتی باشد و اگر باشد ثروت داخله اینمملکت بسود ۵ ٪ بدولت داده شود شاید اینمطلب اینکه درچندی قبل عنوان استقراض داخلی شد و در همین مجلس هم عنوان ۷ صدم شد و دولت هم یك محلی معین کرده بود برای آنسود کسی حاضر نشد باین جهت درمورد اینمعامله هم که در واقع استقراضی است گفتند که اگر تجاری حاضر باشد برای ۵ صدم دولت بجهت استقراض ۷ صدم را میدهد و چون قرض جاری است و بجهت ضرابخانه بود ۵ صدم از همان بانك معین شده است میگیرند و سود ۷ صدم را میگذارند برای استقراض داخلی.

رئیس — مذاکرات در این باب نمیکنیم فقط برای اظهار عقیده بود کفایت کرد و (آقای حاج سید نصرالله بجای آقای مشیرالدوله — حاج دکتر رضا خان بجای بنده — آقای عزالممالك بجای آقای مستشارالدوله در کمیسیون انتخابات معین شده اند دستور جلسه پنجشنبه و شنبه گفته شده است.

دستور جلسه سه شنبه ٤ ربیع الثانی هم عرض میشود راپورت کمیسیون راجع باصل ۷ قانون اساسی قانون ثبت اسناد.

وزیر مالیه - درباب استقراضی که سابقاً پیشنهاد مجلس شده است و چون بکمیسیون قوانین مالیه رجوع شده بود راپورتی در آن باب کمیسیون قوانین مالیه نوشته و بمجلس پیشنهاد کرده است چون نظریاتی در آن باب هیئت وزراء دارند خوب است و تقاضا میکنم اورا رجوع کنید بهمان کمیسیون قوانین مالیه که وزرا آمده نظریات خودشان را بگویند.

رئیس — خیلی خوب چون هنوز بمجلس نیامده است هر وقتی آمد که جزء دستور بشود رجوع میشود و هر روز را که میخواهید بکمیسیون اطلاع بدهید و در این باب تشریف آورده مذاکره نمایند که نظریات وزراء هم اظهار بشود.

سلیمان میرزا — بنده تقاضا میکنم که جزء دستور گذاشته شود که رأی آخری لایحه اعزام ۳۰ نفر شاگرد باروپا بعد از مدتها که از مجلس گذشته و یك رأی آخری لازم دارد داده شود تا اینکه این ۳۰ نفر شاگرد زودتر فرستاده شود.

رئیس — چون وزیر معارف نظریاتی در این باب داشته و بنا شد با کمیسیون بودجه مذاکراتی بکنند فردا در کمیسیون بودجه منعقد میشود و اظهارات خودشان را خواهند گفت میتوانیم برای جلسه سه شنبه ٤ ربیع الثانی جزء دستور بگذاریم اگر مخالفی نباشد (اظهار شد که مخالفی نیست).

(مجلس قریب بغروب آفتاب ختم شد)

جلسه ۲۲۸
صورت مشروح روز پنجشنبه
۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و ده دقیقه قبل از غروب آفتاب بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل شد.

صورت روز سه شنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمود.

(غائبین روز سه شنبه)

مرتضی‌قلیخان بختیاری - بدون‌اجازه معاضد-السلطنه - میرزا اسدالله‌خان دهخدا - بااجازه غائب ذکاء الملك - حاج سید نصرالله - آقا شیخ محمد خیابانی-دکتراسمعیل‌خان - صدرالعلماء -ابوالقاسم میرزا -حاج آقا -آقاشیخ علی‌شیرازی- ناصرالاسلام نیرالسلطان - دکترحیدرمیرزا -سرداراسعد -رکن-الممالك -آقا سیدحسن مدرس وقت مقرر حاضر نشده - آقا شیخ مهدی نجم‌آبادی مریض بودند.

رئیس — درصورت مجلس ملاحظاتی‌هست بفرمائید.

حاج سیدنصرالله - اینجا درصورتمجلس قید میشود بوقت مقرره بنده مراد ازاین‌وقت‌مقرره را ندانستم چه‌چیزاست که منشأ اثرمیشود یانمیشود جلسه گذشته صورت مجلس را که میخواندند بنده اینجا بودم وشنیدم دراین صورت نمیدانم بنده را چرا غائب سروقت نوشته اند ومراد از وقت مقرره چیست .

رئیس - عرض کردم که این قبیل مطالب راجع است باداره مباشرت باید بآنجا اظهار شود که تصحیح بکنند ملاحظاتی دیگر درصورتمجلس هست ؟

متین‌السلطنه - اسامی اشخاصی که دیر میآیند چون خیلی است خواندن‌آنها اسباب تضییع وقت مجلس میشود خوب است بعد از این اسامی اشخاصی که بوقت حاضر میشوند نوشته شود که چون کمتراست این‌اندازه وقت مجلس تلف‌نشود.

رئیس - تلگرافی ازانجمن ولایتی رشت در تبریك رسیده بود جواب مبنی براظهار امتنان‌داده میشود دستور جلسه امروز راپورت کمیسیون‌قوانین مالیه درباب عدم دخالت بلدیه‌در مالیاتهای دولتی-قانون اساسی معارف از ماده ٦ راپورت کمیسیون قوانین مالیه بعبارت ذیل قرائت شد .

لایحه از وزارت مالیه متضمن سواد تلگراف رئیس مالیه آذربایجان رسیده بود واز مداخلات و تجاوزات انجمن بلدی در عایدات دولت که جزء بلدی نیست شکایت کرده بودند سواد تلگراف در ضمن این راپورت ازنظرنمایندگان میگذرد چون این قبیل شکایات همه روزه از هر طرف می رسد کمیسیون‌اینطور صلاح دانست که بطور کلی‌قراری در این مسئله داده شود که رفع هرگونه اختلافات بین امنای مالیه و بلدیه ها بشود علیهذا کمیسیون دو ماده ذیل را پیشنهاد مینماید .

ماده ۱ - بلدیه در هیچ شهری حق ندارد از بابت وجوه جزء جمعی مالیات دیناری مطالبه یا دریافت نماید .

ماده ۲ — مخارج بلدیه درهرمحل باید از عایدات مالیات نواقل یا امثال‌آنکه بعدها مخصوص باسم مالیات بلدیه تأسیس و ایجاد میشود پرداخته شود . هرگاه مجلس شورای ملی همین دوماده را تصویب مینماید بوزارت مالیه جواب داده میشودکه نسبت ببلدیه ها من بعد درهرجا ازاین قرار رفتار شود .

رئیس - عرض میکنم که دربعضی مطالب که وزارتخانه ها بمجلس پیشنهاد میکنند ترتیب‌قانونی نیست یعنی ماده بندی نمی کنند یك‌رقعه مینویسند ومطالب را مفصلا شرح میدهند در این باب بهیئت وزراء نوشته شده است که من‌بعد مطالبی که‌بمجلس پیشنهاد میکنند باید بترتیب‌قانونی باشد یعنی ماده به ده نوشته شود ولی چون بعضی مطالب‌از دو ماه سه ماه قبل بکمیسیون‌آمده است و اگر میخواستم تمام‌آنهارا ارجاع کنیم بوزارتخانه‌هااسباب تعویق کارها میشد این بود که‌آن مطالبی‌که سابق‌آمده بود بهمان ترتیب سابق مانده است ولی من بعد هرچه میآید بترتیب قانونی خواهد بود این مسئله را هم که رجوع کرده بودند بکمیسیون قوانین مالیه ماده بندی نشده در خود کمیسیون ماده بندی شده است حالا شروع میکنیم بشور درکلیات این راپورت .

افتخارالواعظین - یك‌مرتبه دیگرخوانده شود .

مجدداً دوماده‌پیشنهادی‌کمیسیون‌قرائت‌شد.

رئیس - حالا درکلیات این‌راپورت مذاکره می شود .

حاج شیخعلی - چون سابق براین ما یك بلدیه نداشتیم ویك حکومت ملی درمیان نبودآنچه بعنوان از بلدیه گرفته میشد چه مالیات مستقیم چه مالیات غیرمستقیم چه منافع خصوصی وچه منافع عمومی همه درجزء جمع دولت بود - اما امروز که حکومت ما حکومت ملی است وبعضی ترتیب‌ها را لازم‌داریم باید بلدیه باشد شهرمنظم باشد خیابانها روشن باشد - کوچه‌ها هم تمیزباشد نمیشودآنچه را که مردم بجهت این مصارف میدهند جزء جمع دولت باشد مثل اینکه دراکثر ولایات میدانید که بعنوان عیدی ماهانه دکان پنج قران چهار قران کسبه میدهند همچنین از برای سوخت چراغ‌بازار هم‌میدهندوهمیشه آنهاراجزءجمع‌مالیات‌دولت‌محسوب میکردندوهیچ‌صرف تنظیم ونظافت محل نمیشد بلدیه مالیات نواقل‌بجهت‌همان‌مصارف‌وضع‌شد اما اگرما بخواهیم یك اداره بلدیه صحیحی داشته باشیم چند قسم‌عوارض دیگرهم‌وضع وگرفته میشودوبمصارف تنظیف شهربرسد بازهم یك تنظیم صحیحی‌نخواهد گرفت یك مالیات نواقل‌که آنهم بدبختانه بررعایا حمل شده است وازاشخاص هیزم کش وخارکش و آجرکش میگیرند وازآقایان صاحب ملك ازقراری که ازولایات به من نوشته اند چیزی نمیگیرندبرای آنکه فقط‌درهمین طهران است که هم درشکه‌هست وهم‌کالسکه وهم خیلی از وسائل نقلیه هست که از آنهاهم مالیات‌گرفته می‌شود بعضی ازشهرها هست که هیچیك ازاینها را ندارد که بدهند مالیات ویك جزئی از سایر چیزها گرفته میشود وبرای مصارف بلدیه خیلی‌کم است معهذا بنده مخالفم که آنچه باسم مالیات است درجزء جمع دولت باشد ودولت آنهارا اخذ بکند وبلدیه ها درآن دخل وتصرف نکنند شما نظر ببلدیه طهران وبعضی نقاط دیگر نکنید البته بلدیه باید عایدات را بگیرد وبمصارف تنظیم وتنظیف شهربرساند ومایك چنین‌حکمی کلی را نمی توانیم بکنیم .

فهیم الملك - فرمایشات آقای حاج شیخ علی راکسی مخالف نیست یعنی حکومت‌ماحکومت ملی است وحکومت ملی‌هم یك مقتضیات جدیدی دارد وازبرای تأسیسات‌آنها باید وجوهی‌راتخصیص کرد تاکفایت مخارج آنهارا بکند لیکن ملاحظه تفاوت‌مطلب را هم‌باید بکنندکه سابقاً تمام‌عایدات دولت هرچه بود واز هر محل‌که گرفته میشددریك نقطه مخصوص جمع میشد وباختیار هیئت معینی تصرف میشد بدون اینکه معین‌شود از چه محلی گرفته میشود و درچه مصرف صرف میشود فرضاً عایدات محلی را ممکن بود که به مصارف مملکتی برسانند همین طور بعکس ولی این ترتیب‌باترتیب حکومت مشروطه ومقننه مخالفت دارد برای اینکه درحکومت مشروطه یك عایدات مملکتی است‌که برعموم مردم تحمیل میشود ازبرای مصارف‌عمومی و باید بهمان مصرف برسد ویك تحمیلات دیگری هم هست از اهالی هرمحلی‌گرفته میشود از برای ترتیب تنظیفات همان محل حالا سابقاً یك ترتیبی معین شده بودکه مالیات بعضی از مستقلات دیوانی واجاره‌آنهارا وزیرمالیه میگرفت وبه مصارف محلی میرساند در صورتیکه هیچکدام از آنها عایدات محلی نیست تااینکه به مصارف محلی برسد بعدکه بلدیه تاسیس شد تاوقتیکه مالیات مخصوصی برای بلدیه تعیین و وضع نشده بود تا یك مدتی هم آن‌طورآن عایدات را میگرفت‌که بمصرف برساند حالا میرساند یا نمیرساند آن‌ازاین موضوع خارج است در مجلس پارسال یك‌مالیات جدیدی که‌مالیات نواقل باشد از برای بلدیه ها تأسیس و ایجاد شد شروع‌هم‌کردند بگرفتن حالا مقدار این مالیات هم مختلف است در بعضی‌نقاط‌کافی است بعضی جاها کافی نیست و معلوم است که درآنخصوص هم باید دولت یك ترتیب دیگری بدهد ولی نمی‌توان گفت آنچه‌که از عایدات‌بلدی نیست صرف‌مصارف بلدی بشود و اگرهم باید بشود آنرا باید وزارت داخله پیشنهاد بکندکه برای فلان‌مصرف محلی که‌فلان‌نقطه فلانقدر اعتبار لازم است تا وقتی‌که عایدات‌جدیدی برقرار بشود والا این ترتیبی‌که معمول بوده است ترتیب صحیحی نبوده است مثل اینکه درهمین قضیه از آذربایجان تلگراف مخصوصی رسیده است که معین کرده‌اندکه عایدات بلدی‌آنجا مبلغ‌معینی است که در سال بلدیه می گیرد و بمصرف میرساند و بعلاوه مالیات‌های دیگرهم دارند می گیرند و این اسباب اختلاف بین رئیس مالیه و بلدیه آنجا شده است و برای همین این‌مطلب‌را فرستاده‌اند بمجلس و امروز لازمست قراری در این‌خصوص داده شود که آنچه‌که از مالیات محلی‌است بمصارف‌محلی‌برسد و آنچه‌که مالیات مملکتی است بمصارف مملکتی صرف‌شود وآنچه‌راهم که تا بحال بلدیه‌بطوراشتباه می گرفته است باید تحویل مأمورین مالیه بشود منتهی‌اگر خارج وکارهای اساسی‌محلی دارندباید مالیات‌های جدیدی اگر لازم می دانند پیشنهاد بکنند که باسم بلدی وضع بشود و اگرهم‌خرجی دارند و حالاهم تأسیس مالیاتی نشده است آن را ممکن است وزارت داخله موقتاً یك‌اعتباری‌بخواهد و الا اجازه نمی‌توان‌دادکه این‌ترتیب همینطور باقی

باشد عجالةً همان مالیات نواقل تا اندازه‌ای کافی است برای بلدیه‌ها وزیاده از آن اگر لازم داشته باشند بسته باین است که وزارت داخله ازمجلس تقاضا بکند.

حاج سید ابراهیم — این بیانات آقای مخبر یك قدری بهتر از این چیزی است که دراینجا نوشته شده است بجهت اینکه در اینجا نوشته شده است که مالیات مملکتی را اجازه نمی دهیم که بمصارف محلی برسد مثلا در بعضی میدان های عمومی مثل حق‌الارض می‌شود گفت دولت یك چیزی از آن ها می گرفته است یا از قهوه‌خانها وامثال آن نهایت آن وقت به اسم دولت گرفته می‌شد و به عنوان بلدی نبود ولی حقیقتاً حق بلدی بوده‌است که گرفته میشده است وحالا دراینجاهم اگر مالیات مملکتی و ولایتی وبلدی عنوان کرده‌بودند بنده هیچ مخالف نبودم البته درمالیاتهای مملکتی بلدیه حق ندارد مداخله بکند مثل اینکه ازمالیات محلی هم نباید بلدیه‌رامحروم کرد واینکه میفرمایند مالیات نواقل کافی است بنده عرض میکنم که این مالیات برای هیچ بلدیه کافی نیست بجهت اینکه هر بلدیه را که ملاحظه میفرمائید چندین برابر مالیات نواقل بلد خودش‌را میخواهد تا اینکه بتواند ازعهده تنظیف آن محل بر بیاید بعلاوه درباب حق‌الارض مثلا دربعضی جاها گرفته میشود یا ازقهوه‌خانه یا ازغیر آن واینها جمع بلداست وحالاجزء مالیات محسوب میشود پس بطور کلی نمیشود گفت هرچه مالیات مملکتی یاولایتی است بلدیه حق مداخله ندارد.

افتخار الواعظین - بنده ازبرای توضیح مطلب باید اطلاعاتی که شخصاً دراین باب دارم عرض کنم آن چیزی که بیشتر بین امین مالیه و انجمن های بلدی ولایات محل گفتگو ومناقشه واقع شده است مالیاتهای صنفی است که دولت ازشهرها میگرفته است مالیاتهائی است که دولت از کاروانسراها وحمام ها وجاهای دیگر میگرفته‌است این معلوم است که مالیات صنفی‌را هیچ‌نمی توان گفت که مالیات شهری است یا اینکه مالیات بلدی‌است وهمه وقت هم از قدیم‌الایام مرسوم بوده‌است که تمام این مالیات ها جزو جمع پیشکار مالیه بوده‌است وبعضی ازمصارف دیگری که در هرمحل میشده آنها را باسم های مختلف دیگر مثلا باسم روشنائی داروغه وغیره‌می گرفته‌اند والا شبهه نیست دراینکه این مالیاتی که ازاصناف گرفته میشود مالیات مملکتی‌است ومالیات هائی‌است که باید وارد خزانهٔ دولت بشود واز ابتدا تأسیس دولت جدید انجمن های بلدی باسم اینکه اینها مالیاتهای جدیداست اینها را متصرف شده‌اند وپیشکارهای مالیه هرچه خواسته بودند جلوگیری بکنند در بعضی جاها پیشرفت نکرده ومجلس شورای ملی هم ازبرای اینکه برای مصارف محلی یك مالیات مخصوصی وضع نشده بود دراین مقام ساکت بود ولی پس ازاینکه از برای مصارف بلدی یك مالیاتی باسم مصارف بلدی مثل مالیات نواقل وضع شده‌است ودرقانون انجمن های بلدی هم می‌نویسند که عایدات بلدی ازعوارض شهری است ومعلوم می شود یك عوارض باید باسم عوارض شهری وضع بشود که انجمن بلدی باید آن عوارض را بگیرد و بمصارف بلد برساند دیگر این مالیات های صنفی که امروز بلدیه ها متصرف شده اند ابداً ربطی بآنها ندارد و جمع انجمن بلدی نیست و آقایان باید ملاحظه داشته باشند که اگر این مالیات ها را بانجمنهای بلدی بدهند چقدر بودجه مملکتی کسر پیدا خواهد کرد و چقدر از مالیاتها نقصان خواهد شد که علاوه بر آن که ما نتوانیم آن کسر را جبران بکنیم شاید ناچار شویم که برای کسر بودجه بعضی مالیاتهای جدید برمردم تحمیل بکنیم

محمد هاشم میرزا - بعقیده بنده بطوری که انجمن ایالتی آذربایجان تلگراف کرده است و راپورتی که از کمیسیون داده‌شده است ومالیاتی که آقایان فرموده‌اند غالباً مخلوط بهم‌شده‌است و کشف مقصود نمی‌شود درنظامنامه انجمنهای بلدی نوشته شده است عوارض شهری دیگر هیچ‌قید نکرده‌است که بیش از این وضع شده ویا خواهد شد واینکه آقای افتخار الواعظین فرموده‌اند که مالیات صنفی از مالیات مملکتی محسوب می شود محل نزاع مالیات صنفی نیست بلکه محل نزاع آن قسمت از عوارضی که از درختهای شهر واز آبهائیکه از یك شهر زیاد میآید ومی‌فروشند واز خندنهای شهری و بعضی از چیزهائیکه واقعاً اختصاص بیك شهری دارد وهیچ نمی‌شود تصور کرد که این مالیات مملکتی است بچه مناسبت آبی‌است که ازیك شهری زیاد می‌آید می فروشند وباید وجه آنرا بمصارف همان‌شهر برسانند چه‌جهة دارد که این را بدهند در جای دیگر خرج بکنند و اگر نظر آقایان باشد پارسال هم درهمین مسئله گفتگوشد و پیشنهادی شده‌بود که بعضی مالیاتهائی راکه از شهر می گیرند این جزء احتسابی خواهدبود یا از مالیات مملکتی محسوب می‌شود وبالاخره رأی دادیم که این مالیات محل خواهد بود هیجده هزار تومان‌را بعلاوه رأی دادیم که ببلدی بدهند ولی بعقیده بنده تشخیص محل از وظیفه مجلس خارج است البته باید در کلیات این قانون مذاکره کرد که مالیات‌مملکتی را نباید بلدیه‌ها بگیرند لیکن اینکه ما تشخیص بدهیم که فلان مالیات‌راجع ببلدیست وفلان راجع به مملکتی از وظیفه ماخارج است وبعقیده بنده اول باید تشخیص داده‌شود که مالیات محلی کدام است ومالیات مملکتی کدام تا اینکه بتوانیم مذاکره‌در این‌خصوص کنیم والا این مذاکرات نتیجه نخواهد داشت ومخلوط بهم‌خواهد شد

فهیم الملك — تمام این مذاکرات درموقعی که برای بلدیه تهران پیشنهادی شده بود بعمل آمد وحالا بنده‌می‌بینم که فراموش‌شده‌است آن هیجده هزار تومان را که تصویب‌شد ببلدیه بدهند آنها پول‌چراغ داروغه نبود بعضی ازهمین‌مالیاتهای دولتی بود ازقبیل اجاره میدان سوق‌الدواب وغیره اینها چیزی نیست که جزء مالیات‌محلی باشد اینها یك وجهی است که باید جزء مالیات مملکتی باشد و اینهم که گفته شده بود که ببلدیه بدهند برای‌این بود که اززمان‌مظفرالدین‌شاه‌درحکومت ناظم‌الدوله آمدند معین کردند که هیجده‌هزار تومان‌خودحکومت از این‌محل‌ها وصول بکند و الا مالیات مخصوصی هیچ‌وقت برای بلدیه نداشته‌ایم و این چیزهائی را که می فرمائید پول چراغ یا پول داروغه یا پول پلیس باشد اینها یك چیزهائی بوده است که بیك انواع غیر مشروعی از مردم میگرفته اند مثلا اینهائی‌را که از آذربایجان می گرفته‌اند ودراینجا صورتش هست مثل اینکه می‌نویسد ۱۷۵۰ تومان از بابت مالیات قدیم این چه ربطی بمالیات بلدیه داردیا اجازه میدان صادقیه‌این‌چه‌ربطی‌بمالیات‌بلدیه دارد این‌ها یك مالیات‌هائی است که‌بلدیه‌می گرفته است درحالتی که هیچ ربطی باو ندارد مالیات بلدی که عجالة ما می‌توانیم بگوئیم که مالیات‌بلدی است همان مالیات نواقل است بعلاوه وجوهی که تا بحال بعنوان مالیات گرفته میشده است همانطور که آقای افتخار الواعظین فرمودند هیچ نمی‌توان گفت که اینهارا ببلدیه بدهیم برای اینکه شاید این ها جزء مصارف محلی محسوب شود بجهة اینکه الان عایدی بلدیه خیلی بیشتر ازآن هیجده‌هزار تومان سابق است بعلاوه در شهرهای کوچك آنقدر بلدیه مصارف ندارد فقط در شهر های بزرك است که اینطور است و البته مصارف بلدیها بدرجات است ولی اینهارا که می‌فرمائید مالیاتهائی است که باید بدولت برسد و برای بلدیه‌هم عجالة مالیات نواقل هست و بعدهم اگر زیادتر از این لازم‌داشت‌محلی دیگر باید تعیین بشود که کفایت مخارج او را بکند یا اینکه همانطور که عرض کردم وزارت داخله اعتباری در آن باب بخواهدحالادیگر بسته بنظرمجلس‌است.

حاج امام‌جمعه — بنده تصور میکنم‌که آنچه وزیر اینجا پیشنهاد کرده است بدرد اهالی نخورده چرا بجهت اینکه همانطورکه چیز بی‌قانون اسباب زحمت مردم است و مردم درفشارآن هستند و درفشارآن بوده‌اند مثل اینکه تا بحال که‌مالیات می‌دادند یا بکله مباشرمالیه آنجا بود یابکله‌مباشر آن ده که هرچه‌دلش میخواست می گرفت همینطور قانون‌های مبهم ومجمل اینهاهم اسباب نظم‌مملکت نمی‌شود مثلا نوشته است که بلدیه در هیچ شهری حق ندارد مداخله در مالیات های مملکتی بنماید این مالیات مملکتی یك لفظی است که موضوع له او معلوم نیست مفهوم او معین نیست و پامین‌نشده است همیشه همین نزاع خواهد بود که‌بلدیه خواهد گفت‌این‌مالیات بلدی است مأمور مالیه‌خواهد گفت این‌مالیات مملکتی است پس تامجلس‌درست‌توضیح نکند که مالیات های بلدی و مملکتی کدامست نمی‌شودباین رأی داد و این نزاع‌ها ازمیان‌برداشته نمیشود یك عرض دیگر اینکه لازم است‌عرض کنم و راجع بآنها است اینست که ممکن است انسان یك چیزی را بگیرد و لوازمش را نگیرد اسمش را بگیرد ومسمای اورا ندانسته باشد بنده می بینم ما اسم مشروطه راگرفته ایم و لوازمش را نداریم اگر مملکت ما مشروطه است اگر پارلمان دارد غیر از مجلس کسی حق وضع مالیات ندارد درهمه جا انجمن‌های ایالتی و ولایتی بلدیه‌ها مالیاتهاوضع

میکنند یا مداخله می کنند یا رفع می کنند تا از اینها ما خلاص نشویم مردم از این‌فشارها خلاص نمی شوند.

رئیس — عرض کردم در این لایحه دو شور خواهد شد ودرکلیات آنهم بعقیده بنده بقدری که مذاکره شد کافی است حالا رأی می گیریم — آقایانی که مذاکره درکلیات راکافی می دانند و موافقند که شروع بشور در مواد بشود قیام نمایند (رد شد).

حالا داخل میشویم درشورثانوی‌قانون اساسی معارف‌ازماده۶

دکتر علیخان — گویادرقانون‌اساسی‌معارف بعد از بر گشتن از کمیسیون بعضی نظریات‌وبعضی تصرفات‌شده‌است که اعضاء کمیسیون معارف اطلاع ندارند اگراینطوراست بنده تقاضامیکنم که‌دومرتبه باید بکمیسیون که اعضاءآنهم نظریاترا ببینند و وازآن تصرفات‌مطلع شوند.

رئیس — تصرفاتی‌درآن‌نشده‌است این‌همان راپورت کمیسیون‌است.

دکتر علیخان — چون بنده سابقاً تقاضا کرده بودم که این جزء دستور گذاشته‌شود ازهیئت رئیسه جواب داده شد که بعضی نظریات درآن وزارت معارف دارد و خواسته‌اند حالااگر تصرفاتی درآن‌شده‌است خواستم فرستاده‌شود بکمیسیون.

رئیس — خواستند مطالعه کنند.

ارباب کیخسرو — در همین باب که آقای دکتر علی خان اظهار کردند می‌خواستم عرض کنم که این راپورت‌را خواستند وظاهراً پارهٔ تصرفات درآن‌شده‌است.

رئیس — عرض میکنم تصرفاتی نشده است اگر ایرادی در موادات خوانده میشود و رجوع می‌شرد بکمیسیون بخوانید.

[ماده ۶ ازراپورت کمیسیون‌معارف‌بعبارت‌ذیل قرائت‌شد].

ماده۶ — درصورت لزوم طبی باحضور مانع مامورین معارف تاخیر شروع درارسال طفل‌بمکتب جائز است.

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم چون مفهوم ماده مخالف با ماده پنجم است که هر کسی مکلف‌است اطفال خودرا ازسن‌هفت سالگی‌بفرستد بتحصیلات ابتدائی ووادارد از اینجهت بنده تصور میکنم اصلاح لفظی بشود خوب است شروع در ارسال طفل به مکتب نوشته شود درواداشتن طفل به مکتب رسمی و در تحت نظارت وزارت معارف و اوقاف خواهد بود.

حاج شیخ اسدالله - مدارسی که از اموال اوقاف دایرند درحکم رسمی‌ودرتحت نظارت‌وزارت معارف است اگر مراد فقط همان نظارت مطلقی است که باید نظارت داشته باشد درکلیه اوقاف که حیف‌ومیل نشود وکلیهٔ اوقاف به مصارف‌معینه خودش بتوسط متولی برسد آنوقت بنده‌هم‌موافقم وگمان نمی‌کنم که دراین صورت لازم نیست که قید شود درتحت نظر وزارت معارف باشدوگمان نمی کنم که این مدارس ازمدارس رسمی دولتی باشد بجهت اینکه مدارس دائرو تاسیس می شود خارج ازدو قسم نیست یامتولی خاصی داردیانداردا اگر متولی خاصی دارد که بتوسط او مدرسه دائر شده است و ربطی بدولت ندارد آنوقت داخل در تحت نظارت وزارت معارف شدن را بنده نمیدانم بچه قسم خواهد بود واگر متولی خاص ندارد باز بسته بنظر حاکم شرع ووزارت اوقاف در تکلیف خودش باید باشد که نظر کند که عایدات آن به مصارف خودش برسد ترتیبی که درهمان وقف‌نامه معین شده است واینجا بنظر بنده این ماده خیلی اجمال دارد ومقصودشان ازاینکه درحکم رسمی در تحت نظارت وزارت معارف است معلوم نیست‌ازچه نظراست این را خوبست توضیح بفرمائید.

دکتر علیخان - این فرمایشات و ترتیباتی که اظهار فرمودید هیچ‌منافی‌نخواهد بودبانظریات وزارت معارف چیزی که مقصود نظر است اینست که آنچه واقع میشود بطورصحیح باید بشودحالا ممکن است دو نظر ازدو حیث باشد یکی آنکه چنانچه در قانون اداری ودر قانون اساسی وزارت اوقاف نظر وزارت اوقاف ازاین حیث خواهد بود که فلان عایدات فلان‌مدرسه به محل خودش‌صرف شود وحیف‌ومیل نشود ازآن‌حیثی که وزارت‌اوقاف نظر دارد برکلیه اوقاف این نظر را دارا خواهد بود یك نظری است که علاوه بر آن نظارتی که وزارت اوقاف دارد یك نظارتی هم وزارت معارف داشته باشد که یك ترتیب صحیحی هم از حیث تحصیل درآنجاها باشد که طلاب همانطوریکه فرموده اند امتحان داشته‌باشند به بینند بترتیبات تحصیلیه آنجا رفتار می کنند یا خیر وگمان نمی کنم باین کسی مخالفت داشته باشد وضرری هم‌نداردویك اصلاح عبارتی هم‌هست چون بعد هاهم بانی را مؤسس نوشته است اینجاهم خوب است همان مؤسس بنویسند.

رئیس — آقایانی‌که اصلاحات در نظر دارند قبل از این که رأی بگیریم در آخر مذاکرات بفرمایند.

حاج آقا - این توضیحی هم که مخبر فرمودند رفع اشکال را نمی کند بواسطه اینکه مکاتیبی که رسمی است بواسطه ایست که دولت‌خودش تأسیس می کند بالمجبوریه باید این ترتیبات اجرا شود والبته مدارسی که از اوقاف تاسیس میشود ترتیب او همان ترتیبی است که واقف معین کرده است و بهیچوجه دولت نمی تواند تغییری در آن بدهد مگر اینکه همان ترتیبی‌که در قانون‌اوقاف گفتیم‌که وزارت اوقاف باید نظارت داشته باشد در اینکه بمیل واقف عمل شود مگربگوئیم آنها هم درحکم مدارس رسمی است یعنی ترتیب آن‌را هم دولت می‌تواند بمیل خود معین کند و این نمی شود ودرآتیه هم اسباب اشکال خواهد شد اگر بهمین ترتیب نوشته شود بجهت اینکه در مواردی که اوقافی معین شده البته بترتیب خاصی معین‌شده وصاحبان اوقاف نظرات خاص مختلف دارند چه بسا میشود یك شخصی ثروت معتنابه داشته باشدو بخواهد از ثروت خودش یك مدرسه تاسیس بکند ویك ترتیبی برای آن مدرسه می‌دهد ووقتی‌که ما گفتیم‌که تمام مدارس رسمی است آنوقت مجبوریم برخلاف ترتیبی که واقف معین‌کرده عمل بکنیم یعنی ترتیبی‌که‌دولت معین می کند درآن باید اجرا شود واین برخلاف میل ورضای واقف است ازاین جهت بنده عقیده‌ام این‌است که این عبارت رابزنند ویك طوری اصلاح کنند که رفع این‌اشکالات بشود

حاج سید ابراهیم — عرض می‌کنم که تمام این اشکالات فقط ناشی از لفظ رسمی‌است که دراینجا نوشته شده و اینهم گویا اشکالی‌نباشد بجهت اینکه مطابق لفظ رسمی باید آن مدارس درتحت نظارت وزارت اوقاف ومعارف هردوباشد واگر بخواهیم‌رفع اشکال بشود باید بنویسیم‌فقط‌در تحت نظر وزارت اوقاف باشد

مخبر کمسیون دکتر علیخان - ضرری ندارد اینطور نوشته شود.

رئیس — ماده را بخوانید [بعبارت ذیل قرائت شد]

ماده ۶ — درصورت لزوم طبی یا حضور مانع با اطلاع مامورین معارف تاخیر شروع در تحصین طول بمکتب جایزاست.

رئیس - رأی میگیریم — آقایانیکه با مادهٔ ۶ بطوریکه خواسته شد موافقند قیام نمایند باکثریت ۵۶ رأی تصویب شد.

فهیم‌الملك — چون ماده ۷ را کمیسیون ماده ۱۸ قرارداده اند باین‌جهة ماده ۸ خوانده میشود مادهٔ ۸ - بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده ۸ — تمام اهالی مملکت ایران ازهرطبقه وملت حق تمتع ازمعارف عمومی دارند ودرصورت عدم امکان اختلاط باید ازطرف دولت برای‌هرطایفه تدارك مدرسه ومکتب جداگانه شده باشد.

آقاسید حسن مدرس — درصورت عدم امکان اختلاط باید ازطرف دولت الی آخراین عدم امکان رابیان بفرمائید.

دکتر علیخان — مقصود این است که از ملل متنوعه اگر بخواهند دریك مدرسه تحصیل کنند لابد درآن مدرسه باید شرعیات تحصیل شود وشاید آنها نخواهند که درآن مدارس حاضرشوند وحق هم دارند مطابق قانونی که گذارده ایم که اطفالشان را در مدارس‌دولتی بگذارند وازمعارف متمتع شوند‌دراین صورت البته باید برای‌تحصیل تعلیمات ابتدائی‌مدارس علیحده تأسیس کنند که آنها بچه های خودشان رادر آنجاها بگذارند به تحصیل.

آقاسید حسن مدرس — آن فرمایشی که آقای مخبرفرمودند تعلق بیك امری دارد که تصدیق وتکذیبش رانمیدانم کی باید بکند اگر باین لحاظ است که فرمودند که حق ملل متنوعه بایدمحفوظ شودگمان میکنم که باین لحاظ باید این طور نوشت واگر عبارت اینطور نوشته شود بهتراست اجمالی نمیماند وحق آنهاهم ازمیان نمیرود نوشته شود (از طرف دولت باید برای ملل غیراسلامی مکاتب‌ومدارس تهیه شود اگراینطورنوشته شود دیگراجمالی باقی نمیماند وحق آنها بآنها داده میشود واما این که نوشته‌اند درصورت عدم امکان اختلاط این‌شبهه‌اسباب

اختلاف میشود که درچه موضوعی عدم امکان اختلاط متصور است که درهمچو جائی ممکن است اختلاط و درچنان جائی ممکن نیست اختلاط و از برای رفع این اختلاف این خیلی خوب است که دولت برای ملل غیراسلامی مکاتب ومدارس جداگانه تدارك نماید.

دکترعلیخان — بنده تقاضا میکنم که این ماده را رجوع بفرمائید بکمیسیون که درآنجا این ملاحظات شود.

رئیس — مادهٔ ۹ خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد).

مادهٔ ۹ — ملل غیراسلامی درمدارس دولتی حق تقاضای تدریس مذهب خودشانرا ندارند مجبور به تحصیل شرعیات اسلامی نیزنخواهند بود.

حاج سیدابراهیم — بنده آنجمله آخرش راکه مجبور بتحصیل شرعیات اسلامی نیزنخواهندبود لازم نمیدانم.

دکترعلیخان — برخلاف آقا این مطلب خیلی لازم است برای اینکه پروگرام مدارس چنانچه میدانید اجباری خواهد بود وباید دراین صورت قید شود که آنها مجبور به تحصیل شرعیات اسلامی نخواهند بود.

بهجت — بنده موافقم دراینکه میبایست در پروگرام که برای ملل متنوعه نوشته میشود نباید الزام کردکه شرعیات اسلامی راتحصیل بکنند ولی اینجاجایش نیست اینجا همینقدر نوشته میشود که اینها درمدارس دولتی پذیرفته میشوند بعد درموقعی که پروگرام مدارس رامینویسند نوشته میشود غیر ملت اسلامی مجبور نیست که تحصیل بکند شرعیات اسلام را بنابراین که اینجا نوشته شده یك استثنائیست که در غیرمحل واقع شده.

رئیس — گمان ندارم دیگر مذاکره لازم داشته باشد حالارأی میگیریم آقایانیکه این ماده۹ را بطوری که خوانده شد موافقندقیام نمایند - باکثریت پنجاه وهشت تصویب شد.

(ماده ۱۰ قرائت میشود).

ماده ۱۰ — مکاتب ومدارس بردو قسم است رسمی وغیر رسمی - رسمی آنست که ازطرف دولت دایر شده باشد غیررسمی اینکه بانی مخصوص داشته باشد مدارسی که ازاموال اوقاف دائرند درحکم واین لفظ رسمی را نگوییم بهتراست.

دکترعلیخان — همین قدر توضیحاً عرض میکنم که آن اظهاری راکه آقای حاج آقا کردند آن پروگرام بهیچوجه منظورنظر کمیسیون نبود مقصود همین بوده است که همان نظارت اوقاف ومعارف در آن باشد نظارت هم بردو قسم است همانطورکه عرض کردم نظارت وزارت اوقاف ازاین حیث است که این مدرسه ازملك موقوفه است عایداتی داردباید بمصرف خودش برسد و ترتیبات دیگری که راجع بوزارت اوقاف است ونظارت وزارت معارف ازحیث آنست که به بینند که ترتیب محصلین آن بهمان ترتیبی است که واقف درنظر داشته است یاخیر؟

حاج شیخ اسدالله — اگرمقصود از این نظارت است که ما درآن قانون اوقاف رأی دادیم و نوشتیم دیگر دراینجا نوشتن نظارت هیچ فایده ندارد ومناسبتی هم ندارد واگر مقصود ازاین نظارت همان نظارت رسمی است که بکلیه مدارس بترتیبی که در مدارس دولتی داشته باشد بنده بهیچ وجه موافقت ندارم وعرض کردم وبطوریکه آقای حاج آقا گفتند بنده باایشان موافقم.

افتخار الواعظین — بنده از اینماده هیچ نمیدانم که از کجایش مستفاد میشود که اگر واقف در وقفنامه ترتیب تحصیل را معین کرده باشد وقتی که در تحت نظر وزارت معارف باشد آنوقت وزارت معارف یك ترتیب مخصوص خارج از آن ترتیبی که واقف معین کرده است بآنها خواهد داد و دولت همان پروگرام اجباری خودش راکه درمدارس دولتی اجرا میدارد درآنجا اجرا خواهیم کرد هیچ همچو چیزی ازاینجا فهمیده نمیشود در اینجا نوشته است مدارسی که از اموال اوقاف دائرشود درحکم رسمی ودرتحت وزارت معارف واوقاف خواهند بود بدیهی است که ازدوحیث درتحت نظر وزارت معارف واوقاف خواهدبود یکی نظارت مالی که اموال اوقات از وقفیت خارج نشده عایداتش صرف خودش بشود واموال موقوفه حیف و میل نشود یك نظارت دیگر از حیث آنست که آن ترتیبی که در وقف نامه معین شده است اجراشود مثلا یك طلبه چهل سال در مدرسه صرف میرنخواند ویك اطاق مدرسه را ۴۰ سال صرف سیوطی خواندن نکند اگر یك پروگرامی برای تحصیلات طلاب در وقف نامه معین شده است آن پروگرام آن ترتیب را وزارت معارف نظر داشته باشد که اجراعشود مقصود این است که مطابق تمام مدارس دنیا آنجابروند تحصیل کنند وبعداز ده سال پانزده سال عالم از آنجا بیرون بیایند.

آقاسید حسن مدرس — مدارسی که از اموال اوقاف تشکیل شده است دائرند وهر کس نمیخواهد دائر کند میتواندیعنی اختیارش باخودواقف است ودر حکم رسمی است یعنی اختیارش بادولت است واین دوباهم متضاد است واگر مراد کمیسیون این باشد که مدارسی که از اوقاف عامه وزارت اوقاف دائر میکند در حکم مدارس رسمی است این صحیح است ومطابق همان قانون است که برای اوقاف نوشته ایم هیچ اشکال ندارد و اما فرمایشی که فرمودند که مدارس را بوزارت معارف بدهند ایندو مسئله است یکی امتحان وزارت معارف است که به بیند آن تحصیلات را خوب کرده اند یا بد یکی مسئله پروگرام است ما میتوانیم در اینمجلس معین کنیم که وزارت معارف امتحان کند محصلین سایر مدارس را لیکن پروگرام نمیتواند معین کند پروگرام بآن حیثیتی است که واقف نظر داشته ووقف کرده است.

ذکاءالملك — آقای شیخ اسدالله تمام نظر خودشان را درخصوص وزارت اوقاف تخصیص کرده اند وفراموش کرده اند که نظارت وزارت معارف واوقاف است اوقاف یکنظارتی دارد درامر اوقاف معارف یك نظارتی دارد درامر معارف عمومی مملکت وهیچ منافاتی هم ندارد این نظر وزارت معارف نظری که واقف داشته است اینجا آقای افتخارالواعظین خوب بیان کردند چه ضرر دارد مدارسی که از اموال واقفین تأسیس میشود اینهاهم درتحت نظر وزارت معارف باشد برای آنکه البته وزارت معارف درصدد ترقی وتکمیل معارف مملکت است و در واقع مدارسی که ازاموال مردم تأسیس شده است میتوان گفت بی سروته خود میگردند وهیچ ترتیب و اساس صحیحی ندارد راست است که واقف دروقف نامه مینویسد که در این مدرسه فلان تدریسات بایدبشود امایك کسیکه به بیند دراین مدارس آن دروس تدریس میشود یانه چه تدریس می شود یاتدریس نمی شود چه طور میشودخوب میشود یا بد می شود یا میتوان در آنجا اصلاحاتی کرد آیا میشود بیشتر ازاینها استفاده کرد که محصلینی که در آنجا هستند خوب تحصیل بکنند عمر ضایع نکنند امتحان بدهند و وقتی که امتحان دادندولت هم بتواند ازوجود آنها استفاده کند و اطلاع داشته باشد واز تحصیلات آنها اطمینان داشته باشدبداند درفلان مدرسه برحسب وقفنامه فلان دروس درآنجا تحصیل میشود وکسانی که دراینجا تحصیل کرده اند فلان مقام را دارا هستند این چه ضرر دارد نه وزارت معارف ازحد خودش خارج خواهدشد درامر نظارت بر کلیه معارف ونه ازحد خودش نسبت به نیتی که واقف داشته است بتحصیلاتی که درآن مدرسه میشود ولیکن نظارتی خواهد کرد که آن نیت واقف صورت بگیرد وهم دولت و هم ملت هم مملکت ازآن پولی که در آنجا صرف میشود استفاده بکنند و از آن اشخاصی که آن تحصیلات کرده اند استفاده نمایند ازاین حیث آنوقت صحیح است که درحکم مدارس رسمی خواهد بود نه اینکه معنی درحکومت رسمی این باشد که دولت پروگرام اجباری خودش رادر آنجا اجرا خواهد کرد معلوم میشود آقایان التفات نفرمودند که تعلیمات اجباری فقط در مورد تعلیم ابتدائی است که دولت تقاضا می کند ازعموم اهالی مملکت که یك سود مختصری داشته باشد ووقتی که دولت قدرت و استطاعت پیدا کرد سعی می کند و اسباب فراهم خواهد آورد که تمام مردم این مملکت بتوانند یك اداره ازمعلومات را که عبارت ازخواندن و نوشتن است دارا باشند این را میگویند تعلیمات اجباری وپروگرام دولت یك پروگرام واحدی نخواهد بود که بگویند در همه جا آن مجری خواهد شد مدارس چه رسمی چه غیر رسمی چه دولتی چه غیردولتی این ها اقسام مختلف خواهند بود اگر بخواهند پروگرام هائی که درمدارس خارجه هست ملاحظه کنند شاید بتوان گفت پنجاه قسم پروگرام هست ازبرای صنایع پروگرام مخصوصی هست ازبرام علوم دینی پروگرام دیگری است از برای مقدمات از برای مؤخرات از برای حرف ازبرای صنایع ازبرای هریك رشته از علوم یك پروگرام مخصوصی است حالا لازمه درحکم رسمی بودن مدارس این نیست که دولت یك پروگرامی را اختیار کند درمدارسی که از اموال مردم یا از عایدات اوقاف تأسیس شده است اجرا شود خیلی خوب است و لازم است که تمام مدارس در تحت نظارت دولت باشد که در واقع یك ترتیب صحیحی پیشنهاد کند بطوری که عرض کردم و بعد از این بیانی که عرض کردم هیچ اشکالی نمیماند ولی چون آقایان نظرشان دقیق است در باره مدارس و من آقایان را تبریك می گویم و این نظری که دارند لیکن از این جهت اصل مطلب گم شده است البته نظراتی که آقایان میفرمایند هیچ یك از ماها

اشکال نداریم و البته لازم است نظارت مخصوصی دولت بعموم مدارس و مکاتب داشته باشد چه مدارس که از اوقاف تأسیس می شود که آن تحصیل که در مدارس می شود و پولی که خرج می شود بموقع خودش صرف شود و عمر اشخاص هم بی جهت صرف نشده باشد ولی باید خوب ملتفت شده باشند که یك قسمت از این در قانون اوقاف بود که گفتیم و تصویب کردیم که یك نظارتی وزارت اوقاف باید داشته باشد که پول و عایدات اوقاف بمحل خودش صرف شود اما این هیچ ربطی ندارد که یك کلمه مخصوصی نوشته شود که مدارسی که از اوقاف تاسیس می شود در حکم رسمی باشد اگر مقصود ان نظری است که آقای ذکاءالملك فرمودند این تخصیص باین مطلب ندارد چه مدارسی که از پول اوقاف چه مدارسی که ازپول شخصی تأسیس می شود باید آن نظر در آنها ملحوظ باشد اما در اینجا مخصوصا یك عبارتی نوشته شده که بطوری که عرض کردم وزارت معارف را دچار هزار اشکال می کند و هیچ ممکن نیست که اجرا شود اینجا می نویسد مدارسی که از مال اوقاف تاسیس شده در حکم رسمی و در تحت نظارت وزارت معارف و اوقاف خواهد بود اگر در حکم رسمی است یعنی چنانچه گفته شد باید دولت نظارت داشته باشد به بیند که این پولی که مصرف می شود بموقع خودش صرف می شود یا حیف و میل می شود و تحصیلی در آنجا میشود یا نمی شود امتحان بکند اگر مراد اینها است این اختصاص باین مدارس ندارد که می گوید مدارسی که از اموال اوقاف است کلیه مدارس در تحت این نظر باید باشند اگر معنی رسمیت این است که بنده و بعضی از آقایان فهمیده اید که یعنی رسم اختیارش بدست دولت باشد مثل سایر مدارس و فرق نگذاریم بین مدارس دولتی ومدارس ملی که اشخاص تأسیس می کنند و بگوئیم آنطور دخالت مستقیمی که دولت در مدارس دولتی دارد در مدارسی که ازاوقاف تشکیل می شود داشته باشد گمان نمی کنم این را بتوانیم بگوئیم بجهت اینکه الوقت حسب مایوقف علیه صاحب وقف واقف هر کسی را صاحب مداخله مستقیم قرارداده آن شخص همانطور مداخله می کند و این مداخله مستقیم فقط حق او است و اگر آن نظر که گفتم دولت باید در اوقاف داشته باشد چه مدارس چه مریضخانه و غیره هرچه از وقف دائر باشد البته آنرادولت باید داشته باشد ولی نباید اینجانظر باین مقصود این طور نوشت که از مال اوقاف دائرند در حکم رسمی است همین قدرکافی است که بنویسند درتحت نظارت وزارت معارف و اوقاف خواهد بود این را که نوشتید مفهوم می شود که تمام مدارس باید در تحت نظارت دولت باشد مطابق نظراتی که آقای ذکاءالملك بیان فرمودند وهم عایدات آنها بمصارف خودش میرسد مطابق نظری که وزارت اوقاف دارد و تحصیلات هم صحیح می شود اما اگر این عبارت راهمین طور باقی بگذاریم ظاهر درهمان دخالت مستقیم است که بهیچوجه نمی توان آن حق را بدولت داد وتصویب کرد.

رئیس - آیا آقایان مذاکره را کافی نمیدانند (بعضی اظهار داشتند مذاکرات کافی است وبعضی گفتند کافی نیست).

آقاسیدحسن مدرس — عرض می کنم این مطابق قانون شریعت ما درست نیست و نمیتوان رای گرفت.

رئیس — پس تقاضا می کنید که به کمیسیون بر گردد.

آقاسیدحسن مدرس - بله تقاضامی کنم که به کمیسیون بر گردد.

رئیس — آقای مخبر دراین تقاضا چه میفرمائید؟

دکترعلیخان - آقایان میل دارند بکمیسیون بر گردد بر گردد.

رئیس - این ماده بر گشت به کمیسیون که تجدیدنظری درآن بشود ماده ۱۱ خوانده می شود [بعبارت ذیل خوانده شد].

ماده ۱۱- هر کس مدرسه غیررسمی افتتاح میکند باید باطلاع دولت برساند.

رئیس — مخالفی نیست؟ رای می گیریم آقایانیکه با ماده ۱۱ بطوری که خوانده شد موافقند قیام نمایند [باکثریت ۵۴ رای تصویب شد].

[ماده ۱۲- بعبارت ذیل خوانده شد].

ماده ۱۲ — کسیکه می خواهد مدرسه افتتاح کند باید دارای صفات وشرائط ذیل باشد.

(۱) مؤسس و مدیر ایرانی وتبعه ایران باشد

(۲) سن مؤسس کمتر از ۳۰ سال نباشد (۳) بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفظ الصحه که از طرف وزارت معارف مقرر شده فراهم نماید (٤) در مدارس ابتدائی مدیر باید دارای تصدیق نامه تحصیلات مدارس متوسطه و برای مدارس متوسطه دارای تصدیق نامه تحصیلات مدارس عالیه باشد (۵) مدیر و مؤسس باید منسوب بسوء اخلاق وعادات دمیمه نبوده مرتکب جنحه وجنایتی نشده باشد ومعلمینی راهم که انتخاب میکنند باید معروف بسوءعادات نبوده هر کدام درفن خود تصدیق رسمی هیئت ممتحنه وزارت معارف را دارا باشند.

ارباب کیخسرو - اولا اینکه دراینجانوشته است موسس ومدیر ایرانی باشند ما میدانیم دراین مملکت اشخاصی ازاتباع خارجه هستند که مدارسی تشکیل کرده اند آنوقت نظر باین قانون آنها چه حالت پیدا خواهند کرد دیگر آنکه نوشته است سن موسس نباید کمتر از ۳۰ سال باشد نمیدانم چه مدخلیتی دارد سن موسس سن را فقط در مدیر ومعلم منظور دارند و این یك مدخلیتی دارد اما موسس یك مدرسه را تأسیس میکند ومدیر اداره میکند (اغلب تصدیق نمودند)

دکترعلیخان - گویا دراین ماده هم بعضی از آقایان بعضی نظرات دارند این را هم رجوع بکمیسیون نمائید.

رئیس - ده دقیقه تنفس است [بعد از تنفس درثانی جلسه تشکیل شد].

رئیس - ماده ۱۳ — (آقای فهیم الملك ماده مزبور را از روی راپورت ثانوی کمیسیون قرائت نمود).

ماده ۱۳ — مدارس غیررسمی باید پروگرام رسمی را تبعیت نموده مراتب تعلیمات خود را از روی دستورالعمل دولتی منظم ومقرردارند.

رئیس - عرض میکنم که این ماده را بنده آن روزیکه دراین مقام نبودم پیشنهاد کردم وحالا مسترد میکنم وهمان ماده ۱۳ راپورت سابق کمیسیون خوانده می شود.

[ماده ۱۳ — راپورت سابق بطریق ذیل خوانده شد].

ماده ۱۳ — هر کس درهرجا تحصیل کرده باشد تادرمقام امتحان رسمی برنیامده است درمدارس رسمی دولتی پذیرفته نخواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست — رای میگیریم به ماده ۱۳ بترتیبی که خوانده شد آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند.

[باکثریت ۵۹ رای تصویب شد].

ماده ۱٤ - مفتشین دولت در کل مدارس و مکاتب رسمی وغیر رسمی حق ورود وتفتیش دارند وهیچ مدیری در هیچ موقعی حق امتناع ندارد.

رئیس - مخالفی نیست.

حاج سیدابراهیم - این امتناع را چون غلط است تبدیل بمخالفت کنند.

آقا شیخ حسین - عرضم این بود که این اطلاقش را نمی توان رای داد مفتشین اعم ازمرد وزن مدارس هم اعم از مرد وزن این خوب نیست

دکترعلیخان - این معلوم است درمدارس مردانه مفتشین مردانه ومدارس زنانه مفتشین زنانه خواهند بود.

رئیس - رای میگیریم بماده ۱٤ با تبدیل امتناع بمخالفت آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند [باکثریت ۵۳ رای تصویب شد].

ماده ۱۵- وزارت معارف حق دارد کتبی را که مضر باخلاق میداند ممنوع نماید وکتبی که ازطرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس شود.

حاج آقا - وزارت معارف حق دارد کتبی را که مضر باخلاق میداند ممنوع نماید مفهومش اختیار وزارت معارف است ولی عقیده بنده این است که باید این طور نوشته شود که وزارت معارف کتبی را که مضر باخلاق میداند ممنوع نماید تاالزام بوزارت معارف باشد.

دکتر علیخان - جواب این مطلب راآقای رئیس فرمودند که اصلاحات خوب است قبل ازوقت داده شود این هم اصلاح عبارت است.

رئیس - آقای مخبر قبول دارید.

دکترعلیخان - بلی ضرر ندارد؟

رئیس - اگرقبول دارید اصلاح شود (اصلاح وقرائت شد).

حاج سید ابراهیم — بنده اینجا یك قید دیگررا لازم میدانم که زیاد شود که کتبی را که مضر بمذهب واخلاق میداند لفظ مذهب زیاد شود.

رئیس - این قانون چندروز است در اطاق تفتیش اعلان شده‌است عرض کردم اشخاصی که مخالف هستند خوب‌است اسامی خودشان‌رابنویسند که اصلاحاتی که هست باید قبل از وقت پیشنهاد بشود ودراین جلسه که‌بنده هستم یاغیر این جلسه باید پیشنهاد بشود شفاهاً که نمی شود مواد را اصلاح کرد .

حاج آقا - بنده موافق هستم ولی عرض می کنم (میداند) را باید برداشت و [است] نوشت مضر باخلاق است (ثالثاً بااصلاح ثانوی قرائت‌شد)

رئیس - مخالفی نیست ؟

حاج امام‌جمعه - باماده مخالف نیستم‌الا اینکه یك کلمه اضافه شود که وزارت معارف باید کتبی‌را که مضر به‌عقائد اسلام واخلاق میداند‌این‌را باید اضافه کرد.

رئیس - پس پیشنهاد بکنید .

حاج امام‌جمعه - خیلی خوب.

رئیس - یك‌پیشنهادی شده است‌خوانده می شودا در صلاح میدانید بهمین اکتفاشود.

(اصلاح‌حاج سیدابراهیم بعبارت ذیل قرائت گردید).

بنده پیشنهاد می‌کنم لفظ مذهب قبل ازلفظ اخلاق زیادشود .

دکترعلیخان — اینجا اینکه وزارت معارف لازم ندانسته است‌این قید بشود برای این است‌که درقانون مطبوعات قیدشده است‌که کتبی که مضربمذهب وعقاید اسلامی باشداصلا طبع نخواهد شد دراین صورت دیگرلازم نیست‌که دراینجا ودر هرقانون قید کرد .

[اظهارشد صحیح‌است].

[اصلاح آقای‌حاج امام‌جمعه قرائت‌شد].

بنده پیشنهاد می‌نمایم لفظ عقاید اسلامی قبل از اخلاق زیادشود .

رئیس - درواقع این متضمن همان اصلاحی است‌که سرکارپیشنهاد کرده‌اید .

حاج‌سید ابراهیم — بلی.

دکتر علیخان — فقط در اینجا یك‌نظر است که بنده لازم میدانم عرض کنم وآن‌این است که بموجب‌این قانون ملل‌متنوعه هم‌حق دارنداطفال خودشان رادر مدارس بگذارند و تحصیل بکنند واگرما بنویسیم که کتبی که‌مخالف باعقاید اسلام است تدریس نمیشود این‌بنظر بنده‌هیچ صحیح نمی آید برآن مواد باید درنظر داشت که‌آنها کتب خودشان راکه درواقع مخالف باعقاید اسلام است حق‌دارند تدریس نمایند.

حاج امام جمعه — توضیح دارم چون دریکی ازمواد قبل‌نوشتیم‌که آنهادرمدارس‌خودشان ازتدریس فقه‌خودشان ممنوع نخواهندشد.

رئیس — این توضیح نیست نسبتی که بشماندادند چون این‌باید قابل توجه شود وآنوقت بالطبع باید برگردد بکمیسیون حالا فقط باید درباب قابل توجه بودنش رأی گرفت حالا دوباره بخوانید .

(اصلاح آقای امام جمعه وحاج سید ابراهیم مجددا قرائت‌شد).

رئیس - آقایانی‌که این‌اصلاح راقابل توجه میدانند قیام نمایند [اغلب قیام‌نمودند [باکثریت ۳۸ رأی قبول‌شد] برمیگردد بکمیسیون .

ماده ۱۶ — مدارس ومکاتب برچهارنوع است (۱) مکاتب ابتدائی‌دهکده (۲) مکاتب ابتدائی‌بلدی (۳) مدارس متوسطه (٤) مدارس عالیه.

رئیس - دراینجا که‌البته مخالفی‌نیست‌رأی میگیریم آقایانی‌که باماده ۱۶ بترتیبی که خوانده شدموافقند قیام نمایند (اغلب قیام‌نمودند- باکثریت ۶۰ رأی تصویب‌شد).

ماده ۱۷ - هریك ازمدارس‌ومکاتب‌چهارگانه پروگرام مخصوص‌خواهند داشت و وزارت معارف مسئول اجرای‌آن پروگرام است .

رئیس - مخالفی نیست رای می گیریم‌بماده ۱۷ کسانی که موافقند قیام‌نمایند [باکثریت ۶۳ رای تصویب‌شد].

[ماده ۱۸ — راپورت ثانوی کمیسیون = به بجای ماده ۱۷ و راپورت اولی است بمضمون ذیل قرائت شد].

ماده ۱۸ — وزارت معارف ترتیب درجات ومراتب تحصیلیه‌را معین‌نموده‌برای‌هر کدام‌امتحانات و تصدیق نامه‌ها برقرار خواهد نمود که دخول درخدمات دولتی موقوف‌بداشتن آن‌تصدیق نامه‌ها خواهد بود .

فهیم الملك - بنده جمله‌اخیر این ماده‌را زائد میدانم که دخول درخدمات دولتی موقوف بداشتن آن تصدیق نامه‌ها خواهدبود بجهت اینکه برای دخول درخدمات دولتی درنظامنامه های هر وزارتخانه شرایطی معین می کنند که‌این‌هیچ ربطی به‌تحصیلات مدرسه ندارد این‌است‌که بنده مخالفم با قسمت آخری این‌ماده‌که نوشته‌شده است.

دکتر علیخان — درواقع این اظهاری که آقای فهیم الملك کردند مخالف نبودند گفتند چون آنجاها قیدمیشود باین جهت لازم‌نیست که درآنجا قید شود ولی کمیسیون به‌ملاحظه این که نظام‌نامه‌های ادارات وزارت خانه‌ها هنوزنوشته نشده است وشاید هم مدتی طول بکشد آن نظام نامه‌ها نوشته شود مضرندانست بلکه مفیدهم دانست که‌این قید بشود که از این ببعد دخول در ادارات لازمه‌اش یك تحصیلاتی است وباید وزارت معارف نظارت داشته باشد و تصدیق نامه بدهد از برای دخول درآن ادارات حالا گمان می کنم‌که این‌هیچ منافات نداشته باشد که این‌جا قید شود وبعدهم در نظام‌نامه‌ها قید شود .

دکتر حاج‌رضاخان - عرض‌بنده‌را آقای فهیم‌الملك فرمودند همین‌قدر باآقای مخبر خواستم عرض کنم که این‌جزء قانون مدارس‌نیست این‌شرط استخدام است قانون استخدام هم نوشته شده واین شرط درآنجا قید شده است وهیچ لازم بذکر آن دراینجا نیست .

فهیم‌الملك - بنده‌هم موافقم باآقای‌دکتر حاج رضاخان همانطور که فرمودند تعیین شرایطی که برای استخدام در وزارت خانه‌ها است هیچ ربطی‌بمعارف‌ندارد که‌بگوئیم چون‌هنوزشرایط‌دخول در وزارتخانه‌ها معین نشده است‌باید در اینجا شرط بکنیم وزارت معارف هم هیچ حقی ندارد یعنی نمی‌تواند شرایط دخول در وزارت مالیه یاجاهای دیگر راامعین بکند این‌یك مسئله‌ایست که بهیچوجه پیش‌بینی از برای هیچ مطالبی نخواهد شد و این یك‌مطلب بزرك عمده است که شاید اسباب اشکالی هم برای سایر وزارتخانه‌ها بشود خوب است اگر آقای مخبر صلاح بدانند این جمله را پس بگیرند ویك ترتیب قانونی برای استخدام نوشته شده است و سهلتر هم خواهدشد و اسباب اشکال هم نمیشود

رئیس — پس میگیرید ؟

دکترعلی‌خان - خیر .

رئیس - حالا که‌پس نمیگیرید -رای‌میگیریم یك دفعه دیگر بخوانید [خوانده شد] .

رئیس — رأی می گیریم براین ماده آقایانی که موافقند قیام نمایند [باکثریت ۲۶ رأی تصویب‌شد] .

(ماده۱۸ ازراپورت اولیه کمیسیون به مضمون ذیل قرائت گردید).

ماده۱۸ - در هرده ودر هرمحله ازقصبات یك مکتب ابتدائی دهکده دایر میشود .

رئیس - مخالفی نیست ؟

حاج مام جمعه - استدعا میکنم که‌عرایض مرا درست التفات بکنید هر قانونی را که پیش از ترتیب مقدماتش نوشته اند هیچ‌مصرف نداردقانون روی کاغذی هم فایده ندارد این را اولا یك قدری تعمق بکنیم ببینم در تمام ایران لااقل سه‌کرور طفل قابل تعلیم درمملکتمان خواهیم داشت و این سه کرور رااگر درست ملاحظه بکنیم یقیناً فقط سیصد هزارش‌همان اطفالی‌هستند که پدرومادرشان قدرت اینکه آن اطفال را بمکتب بفرستند داشته باشد خصوصاً یك‌قدری آن دهات‌وقصبات راملاحظه بکنید تصور بفرمائید سیصد هزارش قادرشدند به تکفل وفرستادن اطفال خودشان را بمدارس که برونه تحصیل کنند میماند از سه کرور سیصدهزار بیرون رفت‌دو کروردویست هزارنفر این رابمخارج دولت‌اگر بخواهند امروز این مکاتیب را دائر کنند این ده کرور هشت کرور پول لازم دارد قانونی که نوشته میشود خوبست اول مقدمات آن ذکر شود بعد آن قانون را بنویسند بنظر قاصر بنده معلوم است که مدارس درمملکت خیلی لازم است و اول وسیله ترقی مملکت مکاتب است الا اینکه بقدری که قوه مملکتمان‌است امروزاگر در شهرهامکاتب درست‌تشکیل بدهیم‌دیگر درقصبات وایلات ودهات با این اموال حالیه مملکت مشکل میدانم بتوانند مکاتیب ترتیب‌بدهند .

دکترعلیخان - بنده هم استدعا میکنم که درست دقت بکنید درعرایض بنده اولا اینکه هر قانون که تأسیس میشود فوراً اجرا نمیشود البته یك‌قدری طول میکشد و کم‌کم اجرا میشود البته دولت ایران حالیه قدرت ندارد دائر بکند خیلی دول خارجه هستند که در آنجاها از برای تعلیمات

مجانی اهل‌مملکت‌بایدقانونی‌داشته‌باشند که‌آنها اگر تعلیمات‌مجانی‌ازدولت‌بخواهند‌بایدقدرت‌داشته باشند یکی از آنهافرض‌بفرمائید فرانسه است ولی‌امروز آقا فرض میفرمایند که‌دولت فرانسه‌قادر براین‌نیست که تمام اطفال مملکتش را بتوانند تکفل نمایند و مخارج بآنها بدهندولی‌همان طوری‌که موافق‌قانون اساسی تعلیم اجباری‌را معین کرده‌ایم لازمه‌تعلیم اجباری این است‌که دولت اسباب تعلیم اجباری‌را فراهم آوردچطور میتوان گفت تعلیم اجباری وآن وقت‌مکتب‌برایشان تأسیس‌نکردوقتیکه‌این‌رادرقانون قید کردند البته باید این راهم اینجا بنویسند حالا اگرامروز برای شما ممکن نیست‌که باندازه‌که اطفال دارید برای آنها مکاتب تهیه‌کنید چیزیکه غیرممکن‌است اجرا نخواهد شد ولی چیزیکه‌ممکن است اینست‌که ما این قانون را بنویسیم که دولت هروقت قدرت داشته باشد این قانون را اجرابکند برای اینکه تعلیم اجباری را ازآنها خواسته است وتعلیم‌اجباری لازمه‌اش تاسیس‌مدارس ومکاتب است

معززالملك - آقای مخبر در جواب آقای حاج امام جمعه فرمودند قانونی‌که میگذردازاینجا بعد باید متدرجاً اجرا بشود بنده این را اینطور تصور نمی کنم یك قانونی‌که ازمجلس شورای‌ملی گذشت اگرچه معین میکند که درچه مدت به‌موقع اجراگذارده میشود ولی وقتی که به موقع اجرا گذاشته شد باید درتمام مملکت بموقع‌اجرا گذاشته شود پس‌کلیتاً این یك مطلبی است اساسی که هر قانونی که‌گذشت از مجلس باید در تمام مملکت اجرا شود .

افتخار الواعظین - بنده میخواهم‌خاطر- نشان آقایان بکنم که توجه داشته باشند باینکه امروزهم‌درتمام قراء وتوابع‌ایران باندازه‌پروگرام مدارس اجباری که برای آنها هست‌کتاب ومدارس محلی که‌هر کدام‌بدبختانه‌درمحله‌خودشان‌ترتیب‌میدهند بلکه درهر دهی یك یادو تامکتب محلی هست ولی چون درتحت یك‌ترتیب ونظری نیست این‌است که بچه‌ها بجز تضییع عمر واوقات وبجز مبتلا شدن به بعضی امراض‌ازترتیب آنجاها چیزدیگری عایدشان نمیشود پس‌امروز براهالی دهات‌یك‌چیز تازه‌تحمیل نخواهد شدتا آن‌اندازه که‌در دهات خراسان بنده اطلاع دارم هیچ دهی ا نشان ندارم که از برای تعلیم بچه‌هایشان یك‌مکتب غیرمنظمی نداشته باشند منتهایش در آن‌مکتب ها کتاب موش‌و گربه درس میدهند به بچه‌ها کتابهائیکه مضر باخلاق بچه‌ها است امروزه برای همان مکاتب محلی وزارت علوم یك‌پروگرام صحیحی معین خواهد کرد که‌نوشتن وخواندن‌فارسی‌وقرآن‌ومسائل‌دینیه راویك‌فی‌الجمله تاریخ وحساب راتحصیل کنند وعمر بچه‌ها تضییع نشده باشد ودر ماده ۲۱ گویا چیزی که‌نوشته‌شده است‌این است که‌نصف آن‌مخارج رابر عهده‌مالك انداخته‌اند وامروز درمقابل تعدیات مالکین نسبت برعایا این‌نصف مخارج‌رااگر ازآنها بگیریم گویا تعدی نکرده باشیم .

رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی است آقای محمد هاشم‌میرزا اصلاح عبارتشان رابفرمائید

محمدهاشم‌میرزا - عرض میکنم دراینجا نوشته شده‌است درهر دهی ودرماده بعد نوشته‌است در شهرها بعده نفوس‌عقیده بنده‌این است که‌نوشته شود که‌در قصبات‌هم‌بقدر لزوم‌یابعده نفوس .

رئیس - اصلاح عبارتی نبودحالا آقای مخبر چه‌میفرمائید .

دکترعلیخان — اینجاچونکه کمیسیون‌این نظر راداشت که‌امروز درقصبات ودهات لابدآن اندازه احتیاج نیست که‌در شهرهاهست‌ودر آنجا هاباید بعده نفوس مدارس تأسیس شود ولی برای دهات اگر محتاج بعده نفوس‌هم نباشد ضررندارد که‌در هریك‌محله‌یك‌مکتبی‌باشداینطور که کمیسیون نوشته است‌ضرر ندارد .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۸ بترتیبی که خوانده شد آقایانیکه موافق هستند قیام نمایند [باکثریت ۵۸ رأی تصویب‌شد] .

ماده۱۹ درشهرها برحسب عده‌نفوس وحاجت اهالی وکفایت‌مالیه‌محلیه‌یك یاچندین مدرسه‌ابتدائی ومتوسطه‌دائر خواهدشد .

رئیس — مخالفی نیست ؟

حاج‌سیدابراهیم - بنده این لفظ محلیه را زیاد میدانم .

رئیس — رأی‌میگیریم‌بماده ۱۹ بهمین‌ترتیبی که‌خوانده شدآقایانیکه موافق هستند قیام نمایند (باکثریت شصت‌رأی قبول‌شد).

ماده۲۰ - مدارس عالیه عجالتاًدر تهران وبر حسب ضرورت درمراکز عمده نیزدائر خواهدشد

بهجت - این‌ماده بالکلیه زیاد است بجهت اینکه اگر مالیه دولت کفاف ندهد درسایرجاهاهم تشکیل نباید بشود و اگر کفاف بدهد معلوم است که منحصر بطهران‌نخواهدشد هیچ دلیلی‌ندارد که منحصر کنیم بمرکز وحقوق سایر ولایات‌وایالات‌را انحصار بمرکز بدهیم در رشت‌یادر اصفهان‌هم‌شاید لازم باشد باین واسطه اصلا آن ماده زیاد است و هیچ لازم نیست

رئیس - گویا درست‌التفات نکردیددومرتبه خوانده میشود(مجددا خوانده شد)

ارباب کیخسرو - بنده‌ازآقای مخبرتوضیح می‌خواهم‌که مراکز عمده ازکجاها مقصوداست که بعداسباب اشتباه نشود

دکتر علی خان - اینجا چنانچه ملاحظه فرمودید که مکاتب ومدارس بچهارقسمند ومعین هم شدکه بچه ترتیب باید تأسیس بشود مدارس عالیه یك عده معدودی خواهدبود ولابد زیادنخواهدبود یکی دوتا درطهران خواهدبودوسایر مدارس عالیه دیگر که نوشته شده است در مراکز عمده مثل آذربایجان خراسان جاهائیکه ایالت مهم است خواهد بود

رئیس - رأی می گیریم بماده ۲۰ آقایانی که موافقند قیام نمایند [باکثریت ۵۷ رأی تصویب شد].

ماده ۲۱ — مخارج مکاتب دهکده دردهات نصف بعهده مالك ونصف بعهده رعیت است و در صورت اختلاف مذهب هرملتی متحمل مکتب‌متعلق بخود است

دکترحاج رضا خان - اینجا می نویسد نصف بعهده مالك ونصف بعهده رعیت‌است وهمچو میرساند که‌از مالیات نیست اینکه می‌نویسدمخارج مکاتب دهکده دردهات نصف بعهده مالك و نصف بعهده رعیت ازاینجا معلوم‌می‌شود که در آنجا یك مالیاتی خواهدشد وبعد از آنکه وضع شد فقط از مالکین ورعایا خواهند گرفت و آن وضع قانون خواهد سنجید ملاکین وفقرارا وهمه‌اش بملاکین تعلق خواهد گرفت مقصود از این‌رعیت مزدوراست ومامی دانیم که رعایای‌مملکت ماا گر نتوانستند که اطفال خودشان را بمکتب بفرستندهیچ‌منتظرقانون اجبار نبودند امروز اینهاکفش ندارند لباس‌ندارند غذا ندارند بنده این‌تحمیل را خیلی زیاد می دانم ولی چون‌می‌دانم‌همراه ندارم پیشنهادنمیکنم(اظهار شد همراه‌دارید)

آقاسیدحسن‌اردبیلی - بنده گمان میکنم که‌یك مدرسه آنقدر ها مخارج فوق العاده نخواهد داشت‌که تحمیلی برعیت بشود درمقابل آن‌عملهائی که در مدارس خوانده میشود معلوم است‌که نمیشود گفت که این مخارج تمام بعهده مالکین باشد یك دهی یك‌مدرسه مختصری‌که تأسیس میشودیك‌اساس خیلی مختصری‌خواهدداشت‌باین ملاحظه‌گمان‌میکنم که‌بآن اندازه‌که‌مخارج درآن مدرسه میشود تحمیل خیلی مختصری است ومیشود بآن تحمیل راضی شد اگرچه نظربنده اساساً موافق است‌که این مخارج کلیة بعهده مالك باشد و یك مدرسه مختصری را ممکن است‌تحمل مخارج آنراکرد ولی‌چون‌میدانم مشکل است وهمه مالکین نخواهند تحمل کرد یعنی گمان نمیرود که تمام مالکین متقاعد بشوند این است که بنده فقط نصف‌را بعهده‌مالکین ونصف را بعهده رعیت تصویب میکنم .

بهجت - این نصفی‌که بعهده مالك است و نصف بعهده رعیت هیچ نوشته نشده است‌که بچه قسم گرفته میشود و بچه قسم مصرف میشود و این در آتیه اسباب اشکالات خواهد شد و چون جاها مختلف است ممکن‌است بگوئیم خود آنها تأسیس بکنند وممکن است‌بگوئیم آن نصف جزء مالیه دولت بشود و در آتیه اسباب زحمت نشود ممکن است بگوئیم خودشان تأسیس بکنند یعنی بنظارت وزارت معارف باشد و ممکن است به بلدیه آن بلد بدهند چنانچه مرسوم است بعضی جاها تاسیس میکنند ومن‌بعد اسباب اشکالات خواهدشد سه‌چهار شق دراینجا متصور است خوبست این‌راآقای‌مخبر بیان‌بکنند که‌نقطه نظر کمیسیون چه‌بوده است

دکترعلی‌خان — بنظر کمیسیون اینمطلب باید واگذار بشود بوزارت معارف وزارت معارف البته تأسیس آن‌مدارس رامیکند همان طوری که آقای آقا سید حسین اردبیلی فرمودند اینجا باید درنظر داشت که مکاتب دهکده غیر از مدارس ابتدائی است این راباید درنظر داشت که مدارس ابتدائی راصحیح تاسیس‌بکندو رعایا نمیتوانند از

عهده تاسیس مدارس و مکاتب صحیح بر آیند این مطلبی است که باین ترتیب تقسیم کرده اند و یکی ازآنها را مکاتب دهکده قرار دادند و آن خیلی مختصر خواهد بودو فقط بعضی چیزهای خیلی لازم مختصر باطفال یاددادده میشود آن قسم مکاتب خیلی خرجشان کم خواهد بود و چیزیکه از رعیت گرفته میشودخیلی کم خواهدبودواین راخود وزارت معارف البته باید اداره بکند و کمیسیون هم لازم میداند که دراینجا قید بشود ترتیبات اخذوترتیبات مصارف بسته بنظر وزارت معارف است

حاج شیخ اسدالله - بعقیده بنده باین ترتیبی که در اینجا نوشته شده که در دهکده نصف بعهده مالك ونصف بعهده رعیت باشد بطور کلی وتعیین نکردن کیفیت اخذاین مخارج از رعیت خیلی مجمل بنظرم می آید و خلاف ترتیب قانونی است بنده عقیده ام این است که بهمان ترتیبی که در ماده بعد نوشته شده که در قصبات معین می کند که مالیاتی ازبرای آنها وضع می کند ودر قصبات مدرسه تأسیس می کند بشود که آنوقت برای رعیت ضعیف که قدرت اعانه دادن چیزی ندارند که بدهند برای تعلیم اطفالشان باین محظور دچار نمی شویم برای این که حال اولیاء اطفال کلیتاً در این باب معلوم نیست بعضی هستند که تمکن از این دارند که وجهی بدهند و بعضی هستند که در حقیقت تمکن ندارند ووقتی که آن ماده رابهمان ترتیب وبهمان کیفیت گذاشتیم بعضی ها آن وسعت و استطاعت را ندارند که مخارج بدهند فرض بکنیم که تعلیم هم اجباری است که اطفال خودشانرا مجبورند بمکاتب بفرستند آنوقت مطابق این قانون باید مخارج نصف تعلیم را تهیه نماید آن نصف را بایدرعیت بدهد فرض می کنیم ماهی یك قران ماهی دهشاهی تصور بفرمائید بعضی از اشخاص هستند که ماهی یك قرانرا هم برای این که طفل خودشانرا بمدارس بفرستند برای تعلیم نمی توانند آنرا راه بیندازد دهشاهی هم نمی تواند برای این که بالحس دیده ایم دربعضی دهات بعضی از معلمین هستند همین معلمین رسمی که مکتب خانه دارند در بعضی از جاها رسم است که ماهی دهشاهی یك قران می گیرد وآن ماهی دهشاهی را رعیت بیچاره ندارد بدهد که بچه اش را بفرستد تربیت شود عقیده بنده این است که باید بهمان ترتیبی که درماده بعد نوشته شده یك مالیاتی وضع بکنید آنهم بترتیب قانونی و این که در این ماده نوشته شده است هیچ ترتیب قانونی ندارد نوشته است نصف را مالك بدهد نصف رعیت بدهد اما بچه کیفیت بدهد بتساوی بدهد یا این که باید ملاحظه حال اغنیاوفقراء وضعفای آنهارابکند که آنها هم متفاوت بدهند آنرا هم معین نمی کند یك چیز کلی می نویسند که رعیت بدهد وبهتر آن است که بهمان ترتیب که عرض شد نوشته شود که قانونیت هم داشته باشد که آوقت بفقراء هم تحمیلی نیست برمالکین است واین هم محظوری نخواهد داشت و اطفالشانرا آنوقت مجبور هستند بفرستند بمکاتب بعد از آن که دولت اجبار کرد و در تحت نظارت دولت شد و دولت مدارسی تأسیس کرد آنوقت اطفال فقرا مجبوراً می روند مجانی آنجا تعلیم و تربیت می شوند وبنده باترتیب این ماده بکلی مخالفم

افتخارالواعظین - این جا مدارس ابتدائی نیست که یك اندازه تحصیلاتش زیاد باشد ومصارف و مخارج زیاد داشته باشد این مدرسه دهکده است وبنده گمان میکنم درهر دهی مخارج مصارف مدرسه دهکده سالیانه متجاوز ازبیست تومان یاسی تومان نخواهدشد پانزده تومان اوراکه بناشدمالك بدهد یابیست و پنجتومان دیگرش راکه تمام رعایا بخواهند بدهند این چندان تحمیلی نیست می فرمایند که در ماه نمی تواند ده شاهی بدهد برای تعلیم بچه اش بنده عرض میکنم این ماده را بگذرانید تا این که مجبور شود یك روز برود حمالی کند یك روز برود هیزم کشی بکند ویك روز برود فعلگی بکند آن ده شاهی را تحصیل بکند وآن پول هیزم را بدهد و بچه اش را بی سواد نگذارد .

رئیس - گمان می کنم مذاکرات کافی است آقای حاج امام جمعه تقاضا کرده اند که این ماده بر گردد بکمیسیون واگر بناشد که برگردد بکمیسیون در آنجا نظریات خودشان را بفرمایند .

دکتر علی خان - بنده میل داشتم که جهتش راآقا بفرمایند که بچه جهت برگردد بکمیسیون .

حاج امام جمعه - این که عرض کردم به کمیسیون برگردد دو نظردارم یکی تصور میکنم که بعضی از این مواد بی مطالعه نوشته شده است مردمان ایران خصوصا اهل این دهات مردمان فقیری هستند می فرمایند ۳۰ تومان دریك دهی که صدخانوار داشته باشد باید لااقل سالی دویست تومان دراین مدرسه خرج کنند بنده از همه چیزش گذشتم شما معلم ابتدائی دارید وآنگهی بعضی جهات دیگری دارد این است که بنده تقاضا کردم برگردد بکمیسیون شماهم درآنجا تشریف دارید تانظریات خودمانرا بکنیم وهر طور آنجا درآمد آنوقت مذاکره بشود

دکتر علیخان — بلی بنده که اینجا آمدم برای جواب آقا لازم است که باز عرض بکنم که این جا مکتب دهکده است بقدری که یك جزئی سواد این بچه ها داشته باشند یك چیزی باین بچه ها یاد بدهند و مقدمات خیلی کم که یك سواد فارسی باین بچه ها بیاموزند کافی است فقط برای همین است که این بچه ها جزئی سوادی داشته باشند یك نفر معلم برای این مکاتب اگر صدنفر باشد گرد هم داشته باشد کفایت خواهد کرد و آنقدرها خرجی ندارد و اینقدرها برای این نباید اشکالات کرد اگر نظرات دیگری است آنرا بنده نمی دانم ولی اگر این است که فرمودید این جهت نمیشود که برگردد بکمیسیون

رئیس - رای میگیریم درارجاع بکمیسیون آقایانی که موافقند هستند که این ماده برگردد به کمیسیون قیام نمایند (تصویب نشد) پیشنهادی شده است خوانده میشود .

[پیشنهاد مزبور ازطرف آقای دکتر حاج رضا خان بمضمون ذیل قرائت شد] :

این بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲۱ بطریق ذیل نوشته شود .

مخارج مکاتب دهکده در دهات نصف بعهده مالك ونصف بعهده دولت است .

دکتر حاج رضاخان - اگر آقایان نظر بکنند بآن ماده ۲۲ ببینند که در دهات و قصبات مخارج مدارس ابتدائی بعهده دولت خواهد بوداین نظر بنده را تصویب خواهند کرد برای اینکه این جا دولت مالیاتی وضع میکند برای این کار و بعهده مردم و وقتی که این ها استثناء شد آنوقت می ماند عده دهاتی که هرچند ده یك مکتب دائر می کنند معلوم است دهاتی هست که چهار خانوار سه خانوار است چندده باهم متفق میشوند و یك مدرسه دائر می کنند و مخارجی که میشود نصفش را که مالك داده ونصفش راهم دولت آنوقت هیچ تحمیلی برعیت نمیشود واسباب زحمت نخواهد شد .

رئیس - رای میگیریم در این پیشنهاد یك مرتبه دیگر خوانده میشود وبعد رای می گیریم (خوانده شد) .

رئیس — آقایانی که بااین اصلاح موافق هستند قیام نمایند [باکثریت ۴۱ رای ردشد]

رئیس - یك پیشنهاد دیگری هم شده بود بنده معذرت می خواهم فراموش شده بود خوانده میشود [پیشنهاد مزبورازطرف شاهزاده محمدهاشم میرزا قریب بمضمون ذیل خوانده شد]

بنده پیشنهاد می کنم نوشته شود نصف بر عهده مالکین ونصف برعهده غیر مالکین خواهدبود نسبت بعایدات

محمد هاشم میرزا - عرض می کنم این عبارتی که در اینجا نوشته شده است که مالك و رعیت این کلمه رعیت درایران آنجاهائیکه بنده می دانم وضع شده است ازبرای دهاتی اما اینجا غیر مالك یعنی رعیت این فرض شده است دردهات اربابی که مالك شش دانگی باشد و رعیت عوض زارع استعمال شده است یعنی رعایا یعنی غیر مالك معنی رعایا رااگر زارع می گویند یك همچو اصطلاحی نیست بی جهت بنده عرض میکنم که رعیت یعنی زارع اگرمقصود غیر مالك است پس چه جهت دارد که سایرین که درآنجا منزل دارند وزارع نیستند کسب دارند تجارت دارند کارهای دیگر دارند آنهانباید هیچ ندهند واگر مراد این است که معنی رعیت غیر زارع است یابی جهت بنده پیشنهاد کرده ام که نصف بعهده مالکین چه مالك کل باشد چه مالك جزء نصف هم بعهده غیر مالکین چه اشخاصی که سکنه آنجا هستند یا زارع هستند که هم شامل حال زارعین بشود وهم شامل حال اشخاصی که نه زارع هستند ونه مالك وسکنا در آنجا دارند بشود

رئیس - یك پیشنهادی از طرف حاج سید ابراهیم قریب بهمین مضمون ها قرائت می شود (قریب بمضمون ذیل قرائت شد که لفظ رعیت تبدیل باهالی شود] .

رئیس - چون اصلاح عبارتی است تبدیل می شود — دوفقره پیشنهاد دیگریست خوانده میشود

(۱) از طرف سلیمان میرزا قرائت شد

باین مضمون

چون رعایای مملکت ما عموماً فقیر وبی استطاعت

هستند نصف مقدار حق التعلیم اطفال هرقدر کم باشد باز تحمیل برآنان میباشد و از طرف دیگر مالکین منافع کلی بدون زحمت دارند لهذا پیشنهاد می کنم که مخارج کلیه مکاتب دهکده بعهده مالکین بوده و رعایا و رنجبران اطفال خود را مجاناً بمکتب بفرستند .

(۲) از طرف آقای شیبانی بعبارت ذیل قرائت شد .

بنده پیشنهاد می کنم اینطور نوشته شود — مخارج نصف بعهده مالکین ونصف بعهده اولیای اطفال باشد .

(ایضاً پیشنهادی ازطرف آقای ادیب التجار بلفظ ذیل خوانده شد) بنده این طور اصلاح پیشنهاد میکنم مخارج مدارس دهکده ثلث برعهده دولت ثلث مالك ثلث رعیت متحمل شوند

رئیس - ده دوازده فقره اصلاح داریم که باید رای بگیریم

دکتر علی خان - بنده محض این که وقت مجلس تلف نشود تقاضا می کنم که این ماده رابر گردانید بکمیسیون [بااصلاحات بکمیسیون عودت داده شد] .

ماده ۲۲ - مخارج مدارس ابتدائیه درقصبات وبلاد بعهده دولت ومخارج آنهااز محل مالیاتهائی که درهرمحل بموجب قانون برقرار می شود پرداخته خواهد شد

محمد هاشم میرزا - بعقیده بنده اگر بناشد آن ماده بکمیسیون برود این هم برود که بی تناسب رای گرفته نشده باشد

دکتر علیخان - این ماده مربوط به آن ماده نیست .

رئیس - آقای امام تقاضا می کند که این بر گردد بکمیسیون

حاج امام جمعه - بلی

رئیس - چون سه فقره پیشنهاد شده بود حالا بایدرای بگیریم آقایانیکه موافقند باینکه بکمیسیون برگردد قیام نمایند (ردشد)

حاج شیخ اسدالله - مخارج مدارس ابتدائی در قصبات و بلاد بعهده دولت و مخارج آنها از محل مالیاتی که در هرمحل بموجب قانون برقرارمیشود الان ما یك قانونی داریم می نویسیم برای تأسیس مدارس که در هرجائی مشغول بشوند بتأسیس این مدارس ولی قانونی که برای آن مصارف معین میشود معلوم نیست چنین مالیاتی هست یانیست کی وضع میشود بنده عرض میکنم که این مناسبش این است که قوانینی نوشته میشود بایدآن قوانینی که مربوط باین هست بموقع اجراء گذاشته شود اگر بنا باشد که قوانینی که از مجلس میگذرد در بوته اجمال بماند تا یك زمانی بجهت دهسال بیست سال آنوقت یك قوانینی وضع شود تا اینکه این اجراء شود بهتر این است که این قانون هم درهمان وقت معین شود بنده عقیده ام این است که این قانون هم در همان وقت معین شود بنده عقیده ام اینست که باید در ضمن این قانون معین شود که آن چه مالیاتی است و چه وقت معین میشود تا آنوقت اینهم وضع شود .

دکتر علی خان — بنده بدون اینکه بخواهم تعریف از معارف بکنم میخواهم بپرسم که بچه ترتیب می خواهید معارف دراین مملکت ترویج شود این راخوبست تصور بفرمائید که در هرحال میخواهید معارف در مملکت باشد و معارف پول می خواهد حالا اینجا نوشته شده است درهر محل به موجب قانون برقرارمی شود البته دولت یك تقاضائی خواهد کرد و یك محلی درنظر خواهد گرفت وپیشنهادی به مجلس خواهد کرد آن را هم شما باید رای بدهید بدون رای شما که نخواهند وضع واجرا کرد

فهیم الملك — بنده موافق هستم با ماده ولی چون مخالفی نبود آقای رئیس اجازه داده اند آنچه مذاکره در ماده قبل و این ماده شده است معلوم میکند که یك قدری مطالعه ما در این قانون کم است در اینجا دو قسم مالیات است یکی راجع بقسمت مالیاتی که باید برعایا تحمیل شود یکی هم در همین ماده که می گویند نسبت بمالیاتی که بعد تاسیس خواهدشد همانطور که آقای مخبر فرمودند صحیح است باید برای معارف یك منبع جدیدی پیدا کنیم که بتوانیم مخارج معارف را ازآنجا بدهیم برای مکاتب و غیره بودجه مملکت امروزه معین است مخارجش هم معین است ما میخواهیم که بدون اینکه دیناری بمردم تحمیل شود قشون راه بیندازیم مدارس دائر بکنیم تمام اینها را درست بکنیم می گوئیم که مخارج بعهده دولت باشد و برعایا تحمیل نشود دولت ازکجا خواهدآورد دولت مگر کیست؟ دولت از همین ملت است نهایت بدست یك هیئت کار های آنها اداره میشود مصارف دولت را بایدآنها بدهند دولت یك هیئت علیحده نیست که بگوئیم بایدبرود ازخارج یك پولی راه بیندازد و خرج بکند و باید مخارج بعهده دولت باشد پس باید مالیاتی تأسیس شود مالیات چه جور باید تأسیس شود این را بایددانست کسی که فرضاً صدتومان مالیات میدهد می گویند تومان شمار تومانی یك قران یا دو قران فروعات داده شود برای مصارف مکاتب این یك مالیاتی است که در مجلس رای میدهند بعد از آن میرود بوزارت مالیه این فروعات رادروزارت مالیه تشخیص و تخصیص میدهند برای معارف از یك راه تعیین و در حقیقت یك فروعاتی است که تشکیل میدهند و اگر غیر از این را در نظر داشته باشید که محل دیگری برای معارف نخواهد بود وآن محلی که نوشته اند خواهد آمد به مجلس و مختص بهمین مجلس خواهد بود یك مالیاتی مخصوصاً بیاید بمجلس مخصوصاً تصویب شود از برای معارف حالا آنهم نسبت بهمان مالیاتی که میدهند معلوم است اگر کسی مالیات بده نیست چیزی هم براو تحمیل نخواهد شداگر میدهد بهمان نسبت تحمیل خواهد شد و اگرفقیر است و قدرت دادن مالیات ندارد باید اساساً مالیات گرفتن از او را مماف کرد اگر امروز چیزی ندارد و یك تومان یا پانزده قران هم که می گرفتند آن را باید گفت که نگیرند نه اینکه گفت چیز تازه بر او تحمیل نکنیم آن چیزی که حالا هم میدهد آن هم زیادی است مقصود این است که باید مالیات فروعات را بر آنها تحمیل کرد و باین مصارف مخصوص برسانند .

رئیس - گمان می کنم مذاکرات کافی است آقای نیرالسلطان گویا اصلاح جنابعالی راجع بماده قبل بوده .

نیرالسلطان - بلی .

رئیس - پس ارجاع می شود به کمیسیون - حالا بهمین پیشنهاد کمیسیون رای می گیریم کسانیکه موافق هستند قیام نمایند [باکثریت ۴۸ رای تصویب شد] .

ماده ۲۳ - در تقسیم مخارج مکاتب قراء و قصبات برعایا نسبت مالیات دادن آنها ملحوظ است و تشخیص آن با اداره مالیه است .

محمدهاشم میرزا - در این ماده باز هم آن عرضی که در آن ماده داشتم دارم که چون ترتیب مالیات الان مرتب نیست و تا چندین سال دیگر گمان ندارم رعایت تناسب ملحوظ شود این است که پیشنهاد می کنم که در عوض نسبت مالیات دادن آنها ملحوظ است نوشته شود نسبت عایدات آنها ملحوظ است .

حاج آقا — یك سئوالی از آقای مخبر در این ماده دارم بنده از این ماده همچو فهمیدم که این راجع به مدارس دهکده است و همین طور هم ظاهراً باشد که آنجا گفته است که مخارج نصف عهده مالك است و نصف بعهده رعایا است بعد در تقسیم مخارج رعایا نسبت بمالیاتشان باید بدهند ولی درضمن جوابی که آقای مخبر دادند هیچ دراین ماده جوابی نفرمودند بلکه گفتند که راجع بنظر وزارت معارف خواهد بود اگر راجع بهمان مطلب است خوب است تصریح شود تا ذهن آقایان مسبوق بشود واگر راجع بآن مطلب نیست باز آقای مخبر توضیح بدهند .

دکتر علیخان - اینجا مقصود همان قسمت ثانی است مقصود مدارس ابتدائی قصبات است مکاتب دهکده بهمان ترتیبی که درماده قبل گذشت تکلیفش معین شد اینجا همانطوری که عرض شد مقصود مدارس قصبات است .

معین الرعایا - عرض بنده این است که عبارت رعایا باید تبدیل شود .

حاج سیدابراهیم - بنده باماده موافق هستم ومخالف باپیشنهاد شاهزاده محمدهاشم میرزا .

حاج آقا - توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان میکنم خلاف مقصود ازماده باشد بجهت اینکه نوشته شده درتقسیم ومخارج مکاتب قراء و قصبات این قراء وقصباتی که نوشته شده است البته بموجب مخارجی که نوشته درقصبات نیست یك جور مالیاتی است که دولت برحسب قانون وضع میکند وچون مخارج آن متعلق بدولت است دولت وضع میکند و خرج آنها میکند اینها گمان میکنم ربطی بآن نداشته باشد واگر بطوری باشد که ایشان میفرمایند

که آنهامکاتب‌دهکده است که درقراء باشد گمان میکنم اگر اینطور باشد باید این ماده بکلی حذف شود بواسطه اینکه تحمیلی هیچوجه بعهده رعایا نیست بجهت اینکه اینجا میگوید مخارج مدارس ابتدائیه‌درقصبات‌وبلاد بعهده دولت ومخارج آنها ازمحل مالیاتی که درهرمحل بموجب قانون برقرار میشود پرداخته خواهد شد پس این ماده زیادی است و راجع است بهمان مکاتب دهکده.

دکترعلیخان - تقاضا میکنم این ماده را ارجاع بکنید بکمیسیون.

رئیس - عرض میکنم که بعضی اصلاحات‌هم بود آنها هم راجع میشود بکمیسیون ولی استدعا میکنم که اصلاحاتی که میشود مطابق نظامنامه ذکر شود که راجع بکدام ماده است بجهت اینکه وقتی که‌اینهارجوع میشودبکمیسیون آنها نمیدانندمتعلق بکدام ماده‌است.

ماده ۲۴ — مخارج‌مدارس عالیه بعهده‌دولت است لکن متعلمین این مدارس هم باید بر طبق نظامنامه که‌وزارت معارف‌ترتیب‌خواهد دادبمخارج مدرسه کمك نمایند.

رئیس - رای میگیریم بماده ۲۴ - آقایانی که موافق هستند قیام نمایند.

(باکثریت ۲۵رای تصویب شد).

ماده ۲۵ - مخارج مدارس غیرمجانی دولتی باندازه‌که از شاگردان وجه تدریس اخذ میشوداز این محل وبقیه مخارج برعهده دولت‌است.

حاج سید ابراهیم - اینجا یك قدری‌ابهام دارد مخارج‌مدارس غیرمجانی شامل مدارس‌دهکده که گفته شدمیشود یا اینکه مدارس‌خاصی‌تاسیس میشود یااینکه مخصوص بهرمدرسه است که دولت تأسیس‌کرده است این صحیح نیست و باآن‌ماده که راجع بقراء وقصبات بود موافقت نمیکنند

دکترعلیخان - آنچه راجع بدهات‌وقصبات بودگذشت حالا این‌مواد راجع بمدارسی است که درشهرها تأسیس میشود هیچ ربطی به آن‌مدارس ندارد ومقصودآن‌مدارسی است که‌درشهرهاتأسیس میشود و غیرمجانی‌است.

رئیس - عرض میکنم که در شور اول بعضی اصلاحات پیشنهاد شده بود آنهارا فرستاده اند به کمیسیون و بهیچوجه از آنها باقی نمانده مثلا در اینجا یك جمله اضافه شده بود که درصورتی که تفاوتی پیدا شود آنها هم راجع بدولت است اگر این قبیل اصلاحات راکمیسیون قبول میکند باید طبع وتوزیع بشود میان آقایان نمایندگان که بدانند ازچه مأخذ بوده است که این‌را کمیسیون رای داده‌است.

[ازطرف‌آقای فهیم‌الملك اصلاحی پیشنهاد و بمضمون ذیل خوانده‌شد].

اصلاح عبارت ماده ۲۵- مخارج مدارس غیر مجانی دولت‌ازمحل حق‌التعلیمی‌است که‌ازشاگردان اخذ می شود وچنانچه کسری داشته باشدبرعهده دولت است.

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید.

دکتر علیخان - بسیار خوب است.

رئیس - پس بهمین پیشنهاد رای میگیریم آقایانی که موافق‌هستندبا این پیشنهاد آقای‌فهیم‌الملك‌قیام نمایند (باکثریت ۶۸رای تصویب‌شد).

ماده ۲۶ — مکاتب ومدارس مجانی که‌بخرج دولت دائر میشود فقط برای تمتع اطفال فقراء و اشخاصی است‌که رسماً عدم بضاعت آنها از طرف مامورین رسمی محلی تصدیق شده‌باشد.

رئیس - مخالفی البته‌نیست -رای میگیریم آقایانی‌که بااین ماده۲۶ موافق‌هستند قیام نمایند- [باکثریت۶۲رای‌تصویب‌شد].

ماده ۲۷ -ازراپورت ثانوی بکمیسیون- قبول محصلین بی‌بضاعت درمدارس متوسطه وعالیه بطور مجانی بموجب قانون مخصوصی خواهدبود.

رئیس - رای‌میگیریم بااین‌ماده۲۷ آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (باکثریت ۵۷ رای تصویب‌شد).

(ماده۲۷ - ازراپورت اولی کمیسیون که‌ماده ۲۸ میشود بقرار ذیل خوانده‌شد).

ابنیه متعلق بمکاتب و مدارس و سایر متعلقات بمدارس ازمنقول وغیرمنقول درتحت‌نظارت وزارت معارف است.

حاج‌سیدابراهیم - همین‌طورآنچه درشور اول پیشنهاد شده است بکلی در راپورت منظور نشده‌است من‌جمله‌درشوراول پیشنهاد شده‌است که لفظ رعایا ورعیت افتاده‌شود وملاحظه نشده‌است و دراین ماده‌هم یك‌لفظ دولتی بنابود که‌زیادشود آنهم نشده است والا مدارس‌راکه خودمردم‌شخصاً تأسیس می کنند که غیررسمی‌است مثلاخانه‌راشخصاً اجاره می کنند ومدرسه دائر می کنند آنهم در تحت نظارت وزارت معارف خواهدبود از منقول و غیر منقول حتی‌ابنیه‌وسایر چیزهایش این‌خیلی غلطاست پس بنده‌تقاضا میکنم که‌همان‌طوری که دقت‌میفرمائید که‌خارج‌ازموضوع‌نشویم دقت‌بفرمائید که کمیسیون هم رعایت این ملاحظاتی که مجلس در شور اول کرده‌است بنماید که اختلاف کمتر باشد و وقت مجلس تضییع نشوددیگر اینکه اینجا یالفظ غیر- شخصی یالفظ دولتی باید اضافه شود ویك‌لفظی‌هم درپیشنهاد وزیر بود که‌آن هم‌باید اینجاقیدشود.

دکترعلی‌خان - اینکه میفرمائید که لفظ دولتی باید دراینجا قیدشود عرض می کنم که‌نباید زیادشود بجهت اینکه‌نظارت وزارت‌معارف درکلیه ابنیه واشیاء منقوله وغیرمنقوله لازم‌است‌بجهت‌اینکه نظر بحفظ‌الصحه‌است لازم‌است وزارت معارف نظر داشته‌باشد همین‌طوراسباب اثاثیه اش اینهاچیزهائی است که‌لازم است مقصود ازاین تفتیش این است که‌دراین باب نظر داشته باشد که مطابق قوانین حفظ‌الصحه‌تأسیس‌شده‌باشدنظارت ازاین‌حیث‌میکند که به‌بیند نظیف‌است یاخیرنظارت‌ازحیث‌این نیست که برودآنجا ادعای مالکیت بکند.

رئیس - رای می گیریم بماده ۲۸ بهمین ترتیبی که‌خوانده شد آقایانیکه موافق هستندقیام نمایند (باکثریت ۵۱رای تصویب‌شد).

ماده ۲۹ - مجازات بدنی درمدارس ومکاتب ممنوع‌است.

دکترحیدرمیرزا - البته مجازات بدنی کار خوبی نیست خصوصاًدرمدارس اما درمکاتب‌ابتدائی اگر تنها بشماتت‌یابه‌بعضی‌مجازات دیگرمیتوانستند آنهارا ازآن‌جاده منحرفه بر گردانند ومطیع‌درس خواندن بکنند خوب بود ولی بنده تصور نمی کنم که‌بدون‌مجازات بدنی اطاعت‌بکنند غرض‌ازمجازات بدنی این‌نیست که‌یك‌نوع حدت‌یایك سختی‌وزحمت فوق‌العاده ببدن‌طفل وارد بیاورند درده سال پیش که این مدارس ابتدائی بازشد مجازات بدنی را موقوف کردند وآخر دیدند پیش نمی‌رود اطفال‌که میروند بخانه آن‌اطفال شش‌هفت‌ساله بواسطه سوء ترتیب‌زندگانیشان‌ترتیبی‌بودکه‌آنهادرس‌نمیخواندند مجبورشدند که دومرتبه‌مجازات‌بدنی را قبول‌بکنند حالا عرض می کنم باید یك‌ترتیبی مجازات‌قرارداد در مدارس ابتدائی اگر یك ترتیبی بدهند تا چند سالی برقرار کردن باعتقاد بنده عیب‌ندارد.

دکترعلی‌خان - معارف هیچ منتظر این نبود که‌ازطرف مثل شاهزاده‌حیدرمیرزا یك‌همچو پیشنهادی بشودولی بایداین‌را درنظر بگیریم باید یك قانونی راگذاشت والبته کم کم آن قانون در مملکت اجرا خواهد شد اینجا اگر تصویب بفرمائید آن وقت کارخیلی سخت خواهد شد برای اینکه شما نمی‌توانید مفتش معین بکنید که‌تافلان قدر مجازات بدنی بشود وازآن‌حد ببالاجایزنیست وصدمات ولطماتی که باطفال واردآمده‌است‌درهمین روز ومجازات بدنی گویا همه دیده وشنیده باشند بعلاوه گویا مطابق شرع‌هم نباشد.

حاج‌شیخ‌الرئیس — اگرمایه تعجب‌مخبر محترم نشود عرض‌می کنم که مجازات بدنی هم در شرع مقدس باطفال غیر بالغ جایز است بلکه واجب است.

رئیس — مذاکرات کافی‌است رای‌می گیریم بماده ۲۹ آقایانی که موافقند قیام نمایند [باکثریت ۴۹ رای تصویب شد] ازمخبر کمیسیون خواهش می کنم که این موادی‌که رجوع‌شده است بکمیسیون زودتر راپورت داده بشود تا اینکه این قانون معوق نماند دستور شنبه را سابق عرض کردم - دستور ۳ شنبه انتخاب هیئت رئیسه

سلیمان میرزا - بنده در چندین جلسه قبل اظهار داشتم که فریاد وتظلمات رعایای‌خالصه را در این یك سال همه شنیده اند و این کنترات رعایای خالصه هم آمده است بمجلس تقاضا می کنم آنرا زودتر جزء دستور بگذارید این فصل هم مقتضی است با تغییر کنترات تا یکدسته رعیت ازتعدیات کمپانی خلاص شوند.

رئیس — در خاطر دارید چندروز قبل وزیر مالیه خواهش کردکه‌چند روزی مهلت بدهید که رسیدگی‌بکند وحاضر شود حالااگر میخواهید معین بکنید که درچه روزی مذاکره کنند و اگر لازمست که بوزیر مالیه نوشته شود واستمزاج‌بشود بعد در جلسه شنبه بنده عرض می کنم که چه روزیست.

ارباب کیخسرو — بنده تقریباً یکسال قبل یک ماده پیشنهاد کردم یعنی برای کسانی که دیر می آیند واین مسئله بکمیسیون نظامنامه داخلی رفت واین جا آمد شور اولش هم شده است بنده خیلی محظوردارم در باب دیرآمدن وکلاء و این چیزی نیست استدعا دارم درصورتیکه مخالفی نباشد این طولی ندارد جزء دستور بیایدوبگذرد

رئیس — می فرمایند جزء دستور شنبه آینده بگذاریم نه این شنبه شنبه بعدآن

حاج آقا — بنده راجع بدستور عرضی داشتم خارج از دستور هم یک عرضی دارم اگر می فرمائید عرض میکنم اما راجع بدستور البته همه آقایان مسبوقند یک هیئت تفتیشیه مالیه مدتی قبل از این تشکیل شد مدتی رفتند وتفتیش کردند و یک کمیسیون دیگرهم معین شد رفتند و تفتیش کردند ودورایورت آمد راجع بشخص حاج وکیل الرعایا وراجع بسایر مطالب طبع شد نمی دانم چه شد که این دورایورت هیچ موضوع مذاکره نشد وما طرف حمله جراید شهری شده ایم واقعاً این یک مطلب خیلی مندمجی است این مطلب را باید آورد وخواند حاج وکیل الرعایا یکی از اعضاء محترم مجلس هستند اگرواقعاً ایشان چیزی بدولت مدیون هستند که معلوم بشود و بدهند اگر هم مدیون نیستند همانطوریکه خودشان میفرمایند آنهم معلوم شود هیچ مناسب نمیدانم که یک نفراز نمایندگان مجلس شورای ملی اینطور طرف حمله جراید محلی باشد وابدا اقدامی درآن نشود واقعاً حقانیت ویا بطلان این مطالب مکشوف شده باشد بنده که یکنفر از اعضاء مجلس هستم می بینم اگر ساکت باشم بنده خودم را شریک خیانت میدانم .

[اظهارشد صحیح است] .

رئیس - بسیار خوب این را ممکن است که داخل دستور کرد ولی گمان می کنم که چند جلسه است خوب کار کرده ایم قانون ثبت اسناد رامشغولیم قانون اداری معارف رامشغولیم اینها راتمام بکنیم بعداین مطالب رادر دستور خواهیم گذاشت این را هم بنده درنظر میگیرم درهیئت رئیسه دستور راکه ترتیب میدهم این راهم جزء میکنم .

ادیب التجار — مدتهااست درباب قانون منع احتکار بنده اظهارات وتقاضا کردم یعنی اوقاتی که حضرتعالی بسمت ریاست مجلس شورای ملی منتخب شده اید خیلی جدیت داشتید که این قانون را زودتر درجزء دستور مجلس بگذارید که یک امیدواری برای اهالی حاصل بشود ازاین راه که آسوده باشند البته یک مملکتی که جزء اعظمش امرنان است باید اقدام کرد که رفع احتکار ازاین مملکت بدبخت بشود واز اقدام این وکلاء که در این دوره هستند این قانون ازمجلس بگذرد بدبختانه هراین جلسه وآن جلسه میشود ومطرح مذاکره نمیشود خواهش می کنم در جلسه شنبه مقرر فرمائید واخطار فرمائید که وزیر داخله در کمیسیون داخله حاضر بشود امروز هم اعضاء کمیسیون حاضر بودند ووزیر داخله نیامدند مقرر فرمائید که تشریف بیاورند وفردا صبحی این جلسه منعقدشود نظرشان را بگویند وشنبه باید در جزء اول دستور این قانون گذاشته شود بااقدامات حضرتعالی وتوجه آقایان .

رئیس - جنابعالی حاضر بودید که وزیر داخله گفتند وزراء دراین مسئله نظری دارند باید درهیئت وزراء مذاکره شود بعد بیاید بمجلس این دردوره قبل بود دراین دوروزه نتوانستند درهیئت دولت مذاکره کنند تاروز سه شنبه صبر میکنیم اگر نیامدند آنوقت جزء دستور میگذاریم .

منتصر السلطان - بنده درخصوص قانون پستی چون خیلی اهمیت دارد و اغلب محل احتیاج میشود میخواستم عرض کنم که بعداز گذشتن قانون ثبت اسناد وقانون اداری معارف آنرا تقاضا دارم که چون یک قانون لازم و مدونی است جزء دستور بگذارید .

رئیس - این راهم عرض می کنم که مخبرین کمیسیونها باید بیایند در هیئت رئیسه بنشینند و مذاکره کنند ودررأس هرهفته دستور جلسات آن هفته را بامذاکراتی که با مخبرین میشود تصویب بکنند شما خودتان هم مخبر کمیسیون هستید بنده هم خواهش دارم آن قانونی که راجع است بفوائد عامه بترتیبی که عرض کردم زودتر آن راپیشنهاد نمائید .

منتصر السلطان - بسیار خوب .

حاج سید ابراهیم - اگرچه دستورهائی که مذاکره شد برای یکماه بس است ولی قانون گرفتن سوار ازایلات که در چند روز قبل اظهار شد جزء دستورشود وزیرجنگ این جا تشریف داشتند وخواهش کردند که یک چندروز مهلت داده شود و تااین که من بتوانم در این باب مطالعه کرده باشم خوبست آقای وزیر جنگ حاضر شوند و این جزء دستور شود .

رئیس - آقایان دراین باب فرمایشی دارند به هیئت رئیسه تشریف بیاورند که در این باب مذاکره شود .

(مجلس تقریبا نیمساعت از شب گذشته ختم گردید) .

صورت مذاکرات روزشنبه غره شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹

مجلس تقریباً سه ساعت قبل ازغروب آفتاب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورتمجلس روز پنجشنبه ۲۸ ربیع الاولی را آقای معاضدالملک قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل

غایب بدون اجازه - سردار اسعد - غائبین با اجازه آقامیرزا احمد - حاج وکیل الرعایا - آقایانیکه در وقت مقرر حاضر نشده اند - دکتر امیرخان - آقامیرزا محمد نجات - ادیب التجار - حاج مصدق الممالک - افتخارالواعظین حاج آقا - آقاشیخعلی شیرازی - نیرالسلطان - لواء الدوله - آقامیرزا ابراهیم قمی - رکن الممالک - مریض آقاشیخ ابراهیم

ارباب — در باب دیر آمد گی آقایان ازوقت مقرره اینجابنده مکرر می بینم که خوانده میشود از آقایان که اعتراض میکنند آقای رئیس در جواب آنها میفرمایند باداره مباشرت رجوع و بنده می بینم که بر بعضی ازآقایان اشتباه شده است تصور میکنند که هنوز مثل سابق سه بغروب مانده باید حاضر شوند وآقای رئیس آنروز که فرمودند که سه ساعت و نیم بغروب مانده آقایان بیایند گمان فرمودند برای همان یک روز بوده است از اینجهت عرض میکنم که خوب است آقای رئیس در اینباب توضیحی بدهند که صحیحاً مطلع شده موقع مقرره را بدانند .

رئیس — آنروز عرض کردم چون روزها قدری بلند شده است میتوانیم سه ساعت ونیم قبل از غروب بیائیم وغروب جلسه راختم کنیم (گفتند صحیح است.)

رئیس — تلگرافی از طرف آیات الله بوالا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده و دستخط به بنده فرموده اندو خواسته که آن تلگراف اینجابرای اطلاع نمایندگان قرائت شود (تلگراف مزبور بمضمون ذیل قرائت شد .)

بسم الله الرحمن الرحیم — مقام منیع نیابت سلطنت عظمی دامت شوکة العالی بشارت تشریف فرمائی را برآن سرمایه سعادت و نجات مملکت و ملت از اعظم بشارات و بمنزله عود روح بجسد عاری از حسیات و موجب تبدیل یأس کلی به کمال امیدواری گردید انشاءالله تعالی بمبارکی ومیمنت ودوام نصرت وتأیید درموجبات قوت وشوکت دین ودولت مقرون ودرجمع کلمه ملیه و اصلاحات اساسیه دررفع پیچیدگی کار هائیکه که از کثرت اختلافات ونمایش دادن اغراض شخصی بصورت نوع پرستی حاصل وحال مملکت وملت چنین تباه نموده است مؤیدومنصور ببرکت ایفای دین پرستانه وبیانات وطن پرورانه قاطبه رجال باشرف جمعیت رابوخامت عاقبت این تفریق واختلافات اهواء وتشتت که سیر قهقرائی رابااین درجه محل و مساعی و زحمات داعیان را هم در جمع کلمه ملیه چنین هباء وهدر داد حکیمانه بکنند دراینمعنی راچنانچه باید وشاید مجسم وذهنی همه خواهند فرمود که تمام شرف وسعادت شخصیه ونوعیه هر کس هرچه درنظر دارد تماماً بحفظ استقلال مملکت متوقف و این معنی جزدر سایهٔ هست که جامع وحید این ملت وحصن حصین مملکت و یگانه حافظ این آب وخاک است محال ونعمت اتحاد عنصر غالب که از نعم خاصه الهیه عزاسمه براین ملت ونتیجه زحمات سلف صالحین ازعلماء وسلاطین است یابوسیله حفظ شرف واستقلال وفوزباعلی مدارج شوکت وعزت وترقی رفعت است نتیجه مشهوده از تفریق اختلافات وسیر معکوس این مدت هم برای تجربیات کافی وامید است که بعون الله تعالی وحسن تائیده ازاین ببعد تمام رجال وطن پرست ایرانخواه بحسن سیاست وکمال مراقبت آن والا حضرت اقدس دامت شوکته موجبات نجات و وسایل حیات که فقط باتحاد کلمه عموم علماء و امرا و اعیان مملکت موقوف وترفیع کلیه اختلافات وفراهمی اسباب جلب قلوب ورفع نفرت طبقات ملت منوط است کاملا همت خواهند گماشت ودررجوع کلمه عاجلا با داعیان مساعدت خواهند فرمود و آن والاحضرت هم باعزم راسخ ونیات ثابت متوکلا علی الله تعالی ومتعمداً من ولی عصر ارواحنا فداه بوظایف مقایسه قیام و کلمه تشتت راجع بمملکت و ملت از دست رفته را احیاء خواهند فرمود انشاءالله تعالی والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته محمد کاظم الخراسانی عبدالله مازندرانی .

رئیس - تلگرافات تبریکی هم رسیده است